

سومقاله

ركود سياسي
ياافت موقتي

تحوالاتي كه از نخستين روزهاي تير ماه بوقوع پيوسته است، بيورش ديوانه وار حاكميت به نيروهاي انقلابي تروروا عدا مهاي بي دربي، اخراج دستخمي كارگران و بازداشت آنها، مملو شدن زندان ها از هزاران نيروي انقلابي، موج ارباب و وحشت حاكم بر جامعه، و بالاخره افت اعتراضات و مبارزات آشكار توده ها اين سوال را در برابر ما قرار ميدهد كه آيا جنبش توده اي بسوي يك ركود سياسي طولاني پيش ميروند يا اينكه تحت تاثير عوامل ذهني يك ركود موقت وكوتاه مدت را از سر ميگذرانند.

بقيه در صفحه ۲

جمهوری اسلامی و
انتخابات ریاست جمهوری

در حدود يك هفته ديگر، براي دومين بار انتخابات رياست جمهوري از جانب رژيم جمهوري اسلامي برگزار ميشود اين انتخابات در شرايطي صورت ميگيرد كه موجي از سر كوب و گشتار، بازداشتهاي دستخمي و اعدام هاي بدون محاكمه از جانب رژيم جمهوري اسلامي در سراسر كشور سراه افتاده و نيروهاي انتظامي و امنيتي رژيم نكمت باند هاي سياه

در همه جا به شكرا انقلابيون و سر كوب غشونت آميز و بيرحمانه هرگونه جنبش اعتراضی و هر صدای حق طلبانه پرداخته اند.

بقيه در صفحه ۲

خمسى چه گفت؟
خمسى چه كرد؟

صفحه ۱۰

توده ها در انتخابات
مجلس ني اعتبار
شركت نخواهند كرد

رژيم جمهوري اسلامي اعلام کرده است انتخابات ميان دوره اي شهر تهران و چند شهر ديگر (براي انتخابات ۲۶ حوزه) در ۲۶ حوزه) همزمان با انتخابات رياست جمهوري در دو مرحله انجام ميشود. از مدت ها پيش حزب جمهوري اسلامي با اين نتيجه رسيده بود كه بعلت وضعيت جامعه و از دست دادن حمايت توده اي سياسي نميتوانند كانديداي خود را از مندوقها - بيرون آورد و از اين جهت از انجام انتخابات با تظرفه مبرفت. حزب مي دانست كه تنها در شرايط اختناق خواهد توانست با تكيه بر ترور و وحشت و ارباب انتخابات را بشفخ خودش سر هم ببندي كند.

بقيه در صفحه ۹

عقب نشيني موقت كارگران
تعرض گسترده آنها را در پي خواهد داشت

قواستبارتجا عوقرون وسطايي را كه با داد و در دوره انكيزاسيون و تفتيش عقايد و حكومت كليسا در غروب است، حاكم کرده، حكومتي كه اعتراض كارگران را با كلوله پاسخ ميدهد و هر مخالفسي را بنام ياغي، ياغي، ملحد و مفندي الارض به زندان مي افكند، شكنج مي كند و گروه گروه به جوخه هاي اعدام مي سپارد.

بقيه در صفحه ۷

طبقه كارگران ايران مراحل كونا كوني را از سر گذرانده و تجارب بسيار گر انقدري كسب کرده و اينك ديكتاتور و حكومت تروروا اختناق را كه متكي، بهيج قانوني نيست و هيچ حد و مرزي را در سر كوب و گشتار كارگران مبارز توده هاي زحمتكش، نيروهاي انقلابي و خلقهاي تحت ستم رعابيت نمي نمايد، تجربه مي كند. حكومتي كه بنام مستضعفين و تحت پوشش مذهب -

خطاب به تمام رفقا و همواران سازمان

علي رغم مشکلاتي كه رژيم سر كوبيگر جمهوري اسلامي براي نيروهاي انقلابي پديد آورده است تا شايد ارتباط اين سازمانها را با توده هاي مردم بگنجد، اما از آنجا كه امر تبليغ و ترويج يكي از وظايف مبرم و هميشگي انقلابيون را تشكيل ميدهد ما قاطعانه تلاش خواهيم كرد بهر وسيله كه شده، حيله رژيم را در نقطه خفه سازيم و بهر صورتي كه شده ارگان سازمان كار را بدست هم ميهمان مبارز برسانيم. اما از آنجا كه ترويج نشريه در اين شرايط براي رفقا ي ترويج

كننده وهم چنين هواداران مشکلاتي را پديد خواهد آورد، لازم دانستيم به تمام رفقا و هواداران سازمان ياد آوري - شما هم كه از اين تاريخ نشريه كار را محانا در اختيار هم ميهمان مبارز قرار دهند تا توزيع نشريه به سهولت انجام پذيرد.

لازم به ياد آوري است كه هم ميهمان انقلابي چه مربوط به نشريه را با تخمام كدم مربوطه آنرا از هر طريقي كه بتوانند به سازمان برسانند.

در اين شماره

- اخبار کوتاه كارگري
- جنبش جهاني
- اخبار ركود سستان
- پاسخ به استنولات

رکود سیاسی

پایه

طبقاتی و خلاصه مجموع شرایط اقتصادی - اجتماعی پس از قیام بوده است سرشار از درگیریها و کشمکشها پیش رویها و عقب نشینی های مکرر انقلاب و فدا انقلاب بوده است. ریکود سیاسی شرایط و دورانی که نیروهای اجتماعی را بمرحله مبارزه فعال و درگیریهای سیاسی جا گذاشته است، از ویژگیهای یک دوران انقلابی و بیداری بوده است. تحت یک چنین شرایطی هیچگونه نمیتوان از یک رکود سیاسی حاکم برجینش سخن گفت بلکه با لمس مختل ترین حالت اوج گیری جنبش اعتراضی و آشکارساز توده ها، و احیاء مجدداً شکل مبارزه کاملاً انقلابیست. سواى این خود ویژگی، شرایط اقتصادی و سیاسی لحظه کنونی نیز هیچگونه دلیلی منی بر حاکم شدن یک رکود سیاسی طولانی برجینش ارائه نمی دهد. کسی که به ما تریالیسم تاریخی معتقد باشد نمیتواند با توجه به بحران اقتصادی و وخیمی که بیانگر گنبدی سیستم و جدت تضادهاست و همه ارکان زندگی اقتصادی جامعه را فرا گرفته است و اثرات مخرب خود را بر زندگی توده ها بر جای گذاشته است از یک رکود سیاسی طولانی سخن گوید. آنچه که لزماً ما توده ها را ببار باره فعال می کشاند در همین تضادها و تحمل نا پذیری شرایط مادی زندگی آنهاست. امروز شرایط تزیاینده توده ها، فقر مطلق و نسبی و بیگاری میلیونها انسان واقعیتی است که هیچکس نمیتواند منکر آن شود. تمامی شواهد موجود نیز نشان می دهد که حاکمیت کنونی نتوانسته است حتی یک گام، تمهیداتی بردارد.

دلایل این امر قبل از هر چیز در اوضاع سیاسی موجود و فعال بودن توده ها در عرصه مبارزه سیاسی نهفته است. مبارزات لایق قطع توده ها و ضرباتی که این مبارزات بر پریشکریستم اقتصادی اجتماع موجود وارد آورده است، به حاکمیت آنان ندادده است که بتوانند بهنوی به ترمیم و بازسازی سیستم مباردت و زد که عملکردن مال آنرا تا مین کنند. یکی دیگر عواملی که اختلالات جدی در سیستم اقتصادی موجود پیدا کرده است و به تشدید بحران و نه حل آن انجامیده است تضاد میان سرمایه تجاری و صنعتی است. در نظام سرمایه داری، سرمایه تجاری الزاماً با بدنامی سرمایه صنعتی باشد. اما امروز در جامعه ما شرایطی پیدا شده است که سرمایه تجاری می گوید، سرمایه صنعتی را تابع خود سازد. این امر در همان حال که تضاد میان جناحهای بورژوازی را تشدید می کند تا حدی با سیستم اقتصادی موجود را اختلال می کند. تضاد میان روینای سیاسی و زیربنای اقتصادی خود عامل دیگری در جهت تشدید بحران موجود تشدید تضادهای اجتماعی و گسترش مسجوع اعتراضات توده ایست. شرایط مادی تولید بورژوازی، مناسبات بورژوازی تولید، روینای سیاسی خاص خود را می طلبد.

با طبع بهین سوال مستلزم بررسی اوضاع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی عهده ویژگی شرایط کنونی، و چنانچه از تحول آتی اوضاع است. نخستین مسئله ای که در ارزیابی جنبش توده ای و سیر تحول این جنبش باید بدان توجه داشت قانونمندی حاکم برجینشهای توده ای در مراحل جزریا مادیست. جنبشهاست. برجینش توده ای همانند هر پدیده اجتماعی دیگر قوانینی حاکم است که این قوانین بطور عینیتی و مستقل از اراده و شعور انسانها عمل می کنند. قانونمندی حاکم برجینشهای توده ای به ما می آموزد که تحت تاثیر رشد تضادهای اجتماعی و یا تخفیف آنها که از حرکت نیروهای مادی جامعه ناشی میشود در هر مرحله از تکامل اجتماعی جنبش در کلیت خود در مرحله جزریا مادی صورت پذیرد. در هر مرحله معینی از تکامل جامعه، رشد تضادهای اجتماعی بچنان مرحله ای از تکامل خود میرسد که یک دگرگونی کیفی در مبارزات طبقاتی توده های مردم و در رفتار و روحیات آنها پدید می آورد. نیاز به تغییر در ساخت اجتماعی و رها کردن نیروهای مولده از قبیل مناسبات بازدارنده، نیروهای حاصل این تغییر را و امیدارده که در جهت دگرگونیهای اساسی بجا بایزند.

توده ها از انفعال دیرین و خواب طولانی بیدار میشوند و رکود سیاسی جای خود را به جنبشهای وسیع اعتراضی و اشکال مبارزات کاملاً آشکارا انقلابی میدهد. اما در شرایطی که رشد تضادهای نیروی بر مرحله ای نرسیده اند که ضرورت دگرگونی نظام اجتماعی را بصورت امری فوری در دستور قرار دهد، در مجموع رکود سیاسی برجینش حاکم است. این رکود سیاسی، این بی تفاوتی و انفعال، این فقدان مبارزات کاملاً آشکارا و انقلابی توده ها تا بصورت قانونمندی عینی است. بنا بر این بدون آنکه منکر نقش عامل ذهنی در مسیر تکامل تاریخ شده باشیم و بنا بر این تا کید بر ارتباط و تاثیر متقابل و دیالکتیکی عوامل عینی و ذهنی، بسا تا کید بر تاثیر عوامل ذهنی بر عامل عینی در جهت تسریع یا کند کردن پروسه تکامل پدیده های اجتماعی، باید گفت که شرایط عینی حاکم بر جامعه ما، رشد تضادهای اجتماعی و بحران عمیق و فلج کننده اقتصادی و رژیم حاکم بر عوامل عینی است که در ارزیابی وضعیت جنبش توده ای نقش تعیین کننده دارند و هرگونه رکود سیاسی یا فعال شدن جنبش ارتباط لاینفکی با عوامل فوق الذکر دارد. این عوامل در زمره عوامل اصلی و علل ظرف تعیین کننده جنبش توده ای هستند اما دیالکتیک تکامل به ما می آموزد که در هر مرحله صعود یا نزول جنبش توده ای افت های موقتی یا همیشگی را سریع نیز وجود دارد که تحت تاثیر عوامل مختلف بویژه عامل ذهنی قرار می گیرند و شکل نه نه در یک مسیر ماف و مستقیم و بدون زیگزاگ بلکه توأم با عقب نشینی و پیشروی و افت و خیزهای مکرر صورت می گیرد. در هر مرحله جزریا مدجینش توده ای عنصری را برای واحدی که تمهید می کند سرشار از زیگزاگها و حرکات مارپیچی تکاملی است. دورانی که مادران بسرم میرسیم بهنوی بارزی که خصوصیات را بمان نشان می دهد. ما تا کنون در نوشته های مکرر، به خود ویژگی شرایط کنونی که عرصه درگیری میان انقلاب و فدا انقلاب بوده است، اشاره کرده ایم. این خود ویژگی که ناشی از تضادها با نندن انقلابی تراز نیروهای

هر آنچه گنبدی نظریات سرمایه داری، گرایش با رجوع سیاسی و نقش بیشتر مذهب را در روینای سیاسی ایجاد کند، تلفیق آشکارا بین سیاست و مذهب از مباحات فقهی - روحانیت و به مذهب به مذهب در عرصه های اجتماعی نمیتواند بهما منلی جز تشدید بحران اقتصادی و سیاسی موجود منجر گردد. همه این شواهد نشان می دهد که حاکمیت موجود قادر به حل بحران کنونی و تخفیف تضادها نبوده است و این شرایط نمیتواند به عاملی جز تشدید تضادهای اجتماعی و جنبش آشکارا و انقلابی توده ای منجر گردد.

موقعیت سیاسی هیئت حاکمه نیز تشدید بحران سیاسی و تشدید تضادها را می دهد. حزب جمهوری اسلامی که علیرغم تمام ناتوانیهای خود در حل بحران موجود، بنا به شرایط سیاسی حاکم برجینش، توانسته است قدرت سیاسی را قبضه کند تا در به حل بحران سیاسی و تخفیف تضادها به عرصه عمومی نیست. این حزب که اکنون در عرصه مبارزه میان دوگرایش دراززاب بورژوازی بر لیبیرالها فائق آمده و آنها را از آخرین مواضع قدرت بیرون رانده است، علیرغم اینکه تا حدودی برخی از تضادهای درونی قدرت حاکم را حل و پاره ای را نیز تخفیف داده است، بیش از پیش به بحران سیاسی موجود دامن زده است. زیرا در شرایط بحران اقتصادی و سیاسی موجود این حزب گرایش را نمایانندگی می کند که بسوی سلب حقوق دیمکراتیک و آزادیهای سیاسی، بسوی دیکتاتوری آشکارا و علنی، بسوی قهر و سرکوب و بسوی مذهب تعصب دارد. این حزب برخلاف گرایش لیبرالی که می گوشت از گمانال تکیه بر ملیت گراشی و دمکراسی کا بدست به تمهید توده ها بزند و مقری از بحران موجود بساید تنها زبان زور و سرکوب را در دست می کند. طبیعی است این سلب آشکارا حقوق توده ها، این تمایل آشکارا به دیکتاتوری آن چیز است که بویژه بسا توجه به وضعیت اوضاع اقتصادی، بسا توجه به دورانی که جامعه ما در آن بسر می برد و آگاهی توده ها به حقوق خویش، توده ها را در تقابل و رودررویی مستقیم با آن قرار می دهد. حزب جمهوری اسلامی نمیتواند حاکم باشد تنها در تلاش است که آزادیها و حقوقی را که توده ها طی مبارزه انقلابی خود کسب کردند، بکلی از آنها باز پس گیرد. حتی در برخی از زمینه ها نسبت به گذشته نیز کاملاً بعقب نهاده است. هم اکنون اقلیتهای مذهبی از ابتدائی ترین حقوق اجتماعی خود محروم شده اند. حقوق اولیه زنان از آنها سلب شده است و قوانین قرون وسطائی بیش از پیش بمردم تحمیل می شود. حزب جمهوری اسلامی در روزهای اخیر یک جنبش ملیتی را علیه کارگران و روشنفکران انقلابی آغاز کرده است و مسجوع کشتارها و بازداشتها و دستگیری را با بسا دبی سابقه ای رسانده است. با ایجاد محیط رعب و وحشت ما نسج اوج گیری مبارزات توده ها کسرد. اما این اقدامات در شرایطی که رژیم از حداقل رفاههای اقتصادی - اجتماعی عاجز مانده است، در شرایطی که توده ها همبازان زیاد نسبت به آن زدوده شده است، بهنوی رکود طولانی، نرسرت و خشم توده ها را برخواهد انگیزد، بسرت ناراضی پستی و گسترش و تکامل اشکال مبارزات آنها خواهد افزود و بحران را تشدید



جمهوری اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری

بقیه از صفحه ۱

و با تشدید بی سابقه هوا ختنه ساق ، آپوزیسیون نیروهای انقلابی را آماج اصلی تهاجمات ضد انقلابی خویش قرار داده با بین تشریب یکبار دیگر ما هیت واقعی خود و خصوصیت اصلی رژیم یعنی تعارض و تضاد ذاتی نا بدیتر آن با ابتدائی ترین حقوق اجتماعیه و سیاسی بوده ها را به آشکارترین شکل در برابر دیدگان همه مردم ستم دیده ، میهن مان به نمایش گذاشت .

عزل بنی صدر از مقام ریاست جمهوری و سپس صدور حکم دستگیری وی بسیار نگران بود که رژیم جمهور اسلامی نه تنها دشمن هر نوع آزادیخواهی و دموکراسی است بلکه دارای محتوای انقلابی و سرشتی مردمی است ، بلکه حتی با موری ترین نوع دموکراسی نیز سازگاری که - لیبرالها ط لب آنند نیز با منتهای انجم است ، بنا بر این در شرایطی که حزب جمهوری اسلامی قدرت را بطور کامل در اختیار خود گرفته و تمام مخالفین سیاسی خویش را از دور خارج کرده ، از پیش واضح است که یکی از مهربان های اصلی این حزب بر منتهای ریاست جمهوری نیز خواهد نشست و این تنها به توده ها اجازه میدهد که از روی تجربه ، سیاسی خویش درک کنند که دیگر رژیم جمهوری اسلامی از "جمهوریست" تنها نام آنرا بیدک می کشد .

انتخابات ریاست جمهوری بونه آزادی خویش برای اشیاء صحت این امر خواهد بود .

اکنون رژیم جمهوری اسلامی از یک سو سیاست ایجاد محیط ارباب و وحشت را ادامه داده و از طریق عملیات سرکوبگرانه با ساداران و کمیته ها و باندهای سیاه و نیز اعدام های بدون وقفه نیروهای انقلابی می کوشند هر گونه جنبش اعتراضی را در نطفه خفه سازد ، و از سوی دیگر با بسط دامنه فعالیت های تبلیغاتی خود ، هنوز میخواهد چنین وانمود کند که انتخابات در شرایطی آزاد صورت گرفته و با مطالب در سال "قانون" میزان رای مسردم خواهد بود .

کتمان شده ها به پای صندوقهای انتخابات ، اینبار برای رژیم جمهوری اسلامی از ارزش و اهمیت حیات برخوردار است ، در حالیکه انتخابات خود رئیس جمهور فاقد چنین ارزشی است ، البته وزارت کشور اینبار برخلاف گذشته کوشیده است جانب احتیاط را بیشتر رعایت کند و به همین دلیل اول از اعلام آسای گانندیدها پیش از نتایج اعلامیت آنان اجتناب نموده و تا نیا "معنی میکند حتی امکان اعلام آسای معنی گانندیدها تا تأیید شده را نیز به عقب بیندازد تا بدین ترتیب از نتایج مطلوب و مورد نظر خود در این انتخابات کاملاً مطمئن گردد .

اما نکات فوق تنها جنبه های فرعی مسئله را تشکیل میدهند ، همانطور که در بالا اشاره کردیم جنبه اصلی برای رژیم کتمان شده ها به پای صندوقهای انتخابات است ، تبلیغات وسیع و فریبنده سیاسی با تهیج مذهبی که با توجه به ماه رمضان از بردیستسری برخوردار خواهد بود و حتی اعمال انواع فشار و اجبار اداری و غیره ، همه و همه در

خدمت این هدف قرار دارند ، رژیم میخواهد هر چند با ظاهری جنبش و انمود کند که سیاستهای اعمال شده و جناحیها که در مورد اعضا و هوا داران مجاهدین و فدائیان و سایر نیروهای انقلابی انجام داده و میدهد موردتأکید و حمایت بوده است و از جانب دیگر و میخواهد نشان دهد که گویا برکناری بنی صدر استکبارانه و خواست حقیقی توده ها بوده و این مردم هستند که رای خود را نسبت به ریاست جمهوری بنی صدر پس گرفته و آنرا بحساب رهبران حزب جمهوری اسلامی گذارده اند .

اما ارزیابی علمی و واقعیتی وضعیت موجود بر مبنای فاکتورهای عینی گویای آنست که اینگونه تلاشهای رژیم با اساساً به شکست خواهد انجامید ، بدون شکست اکثریتی توده های مردم این انتخابات شرکت نخواهند کرد . تاریخ جنبشهای توده ای و سوسیال ساله اخیر خوبی این اصل علمی را ثابت کرده اند که شرایط مادی زندگی توده ها همواره بسیار نیرومندتر از آسوی

از تبلیغات و سخنرانی ها و شمارها است ، تبلیغ و شمارها اندازه هم که عوام فریبانه باشند نمی توانند برای همیشه توده ها را از فعالیت انقلابی بازدارند ، آنان در تجربیات چند ساله اخیر در سهای فراوانی آموخته اند که با سانی فراموش نخواهند کرد ، این واقعیت بی چون و چرا این است که ناراضی عمومی شدت رند کرده و اکثریت مردم خوشبینی قبلی خود را نسبت به رژیم از دست داده و اکنون در این هم مستعد نیستند که با شرکت در چنین انتخاباتی - در حالیکه نتیجه قطعی آن چیزی جز بسود حزب جمهوری نخواهد بود - شرایط را جهت دست یافتن به خواسته های اساسی خود مهیا خواهند کرد اگر چه در لحظه کنونی اتم موقت بز جنبش شده ای حاکم گردیده است اما روانشناسی اجتماعی توده ها که خود با زبانی از وضع زندگی و درجه آگاهی سیاسی آنان است نشان میدهد که شرکت در انتخابات برای اکثریت توده ها امری بیهوده و غیر قابل قبول است .

میتوان پیش بینی کرد که تجار و سرمایه داران هوادار حزب جمهوری اسلامی و معتقد به ولایت فقیه و نیب بخشهای عقب مانده ، خرده بورژوازی - سنی ایران و همچنین بسیاری از لیبرالهای و اما نه ، ترسو و مردد که معمولاً در یک چنین شرایطی بدنیال قدرت کشیده میشوند ، طیف نیروهای اجتماعی هستند که با استقبال انتخابات کنونی خواهند رفت با این مجموعه با بد آپوزیسیونستهای مؤلف حزب جمهوری یعنی حزب توده "اکثریت" را نیز که سیاست شرکت در انتخابات را در پیش گرفته و بدنیال این خیل روان خواهند گشت ، افزود .

کمونیستها و دموکراتهای انقلابی همصدا با هم توده های میهنان را به تحریم انتخابات ریاست جمهوری دعوت میکنند و بدینوسیله اعتراض همگانی و متحد خود را علیه سیاستهای ستم دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی اعلام میکنند .

خلقهای رزمنده ایران بر علیه استقرار دیکتاتوری پیا خیزید

حاکمیت ، سال ه عرا سال "حاکمیت قانون" نامید و بدنیال آن "لابی" احزاب را در جهت تحکیم منافع خود و سازشکاران عرضه نمود ، لایحه فدیتری "قما" را تدوین نمود تا به صورت قانونی بتواند در بندای حق طلبانه را در گلو خفه نماید ، کلیه وسایل ارتباط جمعی (رادپو - تلویزیون ، روزنامه ها) را در انحصار خویش درآورد تا با ایجاد جو خفان کلیه اعمال فدیتری و قراردادهای خدا میر با لیبستی اش !! در پشت پرده مخفی بماند و کار را با نیتها کشانده حتی افرادی که در اعمال گذشته اش سهیم بودند بطور "قانونی" کتمان گذاشت .

ترتیب و وحشت رژیم را وادار به اعمال جنون آمیز بیشتری کرد ، فرزندان رزمنده و دلیر خلق را چون منجم مبارز سیدسلطان شهرومحن فاضل که سالها در زندانهای رژیم منفور پهلوی در زیر سختترین شکنجه های جلادان ساوا کبویید دلایل واهی و بدون معاکمه بچرخه اعدام سپرد ، حتی از اعدام افراد نابالغ هم خودداری نکرد ، کلیه این اعمال را نشانه عدالتی که وعده اش را داده بود ، دانست ، این است سال حاکمیت قانون" اهدای رژیم جمهوری اسلامی !! اما مبارزات بیگسیر ملت قهرمان ایران و سرنگونی رژیم پهلوی نشان داده است که این ملت زیر ستمی کند زندگی "اگر آنها توانستند این نسا را در گلو خفه نمائند رژیم کنونی هم موفق خواهد شد .

مردم مبارز و قهرمانان ایران ! هم اکنون بسیاری از فرزندان مبارز ما در زیر سختترین شکنجه ها قرار دارند ، دختران رزمنده شما را قرار میدهند ، به طریق که میتوان از فرزندان در بند خود دفاع نمود . در انتشار اخبار واقعی بکوشید ، تبلیغات مسموم و غیر واقعی رژیم را خنثی نمائید ، با شرکت در تشکلهای واقعی خود ، اعتراضات خویش را هر چه بیشتر گسترش دهید .

کانون مستقل معلمان تهران ، ضمن معکوم نمودن اقدامات ضد دموکراتیک رژیم از مبارزات حق طلبانه مردم رزمنده ایران در جهت کسب حقوق و آزادیهای پایمال شده دفاع نموده و همبستگی کامل خود را اعلام مینماید .

کانون مستقل معلمان تهران
۱۳۶۰/۴/۱

همدان

بقیه از صفحه ۲۰

جمعه دوازدهم تیرماه ، بعد از سرگزاری مراسم نماز جمعه در همدان ، به فرمان امام جمعه شهر طبق برنامهای از پیش تعیین شده شرکت کنندگان در نمازخانه های مردم حمله می برند و همه چیز را به هم می ریزند ، در این حمله همه مورد یورش قرار می گیرند از مردم عادی گرفته تا نیروهای سیاسی ، طبق فرمان امام جمعه ویرانه سازی قبلی هر کس در نماز شرکت نداشته مورد یورش حزب اللهی ها قرار می گیرد .

رکود سیاسی بافت موقتی

بقیه از صفحه ۲

خواهد نمود. تندسازی اختلافات میان طبقه حاکم که طرفداران بسیار گسترده ای در میان آن فروخته شده است نتیجه ای جز تشدید بحران ندارد. طرفداران بسیار از حاکمیت که به منظور حل قلمی تضادهای درونی حاکمیت صورت گرفت، به معنای استعجاب کامل و شگفت آن نیست. عسرت گریه همه بزبانهای قدرت سیاسی را در دست گرفته و جراحیهای رفیق خود را از حاکمیت گرفته و نموده است. اما به عنوان قدرت همچنان با قیام است و همچنان در قیام حاکم برجسته ایجاب می کند که در آینده ای نه چندان دور تکلیفهای درونی حاکمیت را که به ایستادگی تازه نیروی حاکمیت بین انقلابی رژیم نیز همچون موقعت عام علی این عهد است. این مجموعه عوامل موقتی که در نتیجه قرار گرفتن در مقابل عده که علی آسانی یک بحران عمیقتر و یک جنبش نویدی ای گسترده تر و نیرومندتر صورت گیرد - اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود در کلیت خود محتمل ترین چشم انداز برای بروز اشکال بسیار گوناگون انقلابی و آشکار شدن می دهد. و نه تنها سیاسی، به نظر این مکتب تاریخی کتبکی مساویزمندان، تخریب امرت نه عقب نشینی است اما باید در نظر داشت که در هر مرحله عموماً جنبش و در هر مرحله جزو مساوی است که تا کنون تخریب با عقب نشینی در دستور کار قرار می دهد اما با فساد و شائبه ها و آفت و خیزهای موقت روسی و هشتم که تا به علی کل اهمیت و جزئی می باشد. مثلاً تحت تأثیر چریکهای ایرانی و سایر کشورهای آنجا اختلافات دربار ایشان، می تواند یک موج همچنان زنده اعتراضات و درخواستها پدید آید. اما با یک سری تغییرات عینیت که اهمیت این موج به سادگی فروری نشیند در رژیم همسین مقوله علی کل اهمیت و جزئی است. رابطه علی کل همسین که اهمیت این موج به سادگی فروری نشیند در رژیم همسین مقوله علی کل اهمیت و جزئی است. رابطه علی کل همسین که اهمیت این موج به سادگی فروری نشیند در رژیم همسین مقوله علی کل اهمیت و جزئی است. رابطه علی کل همسین که اهمیت این موج به سادگی فروری نشیند در رژیم همسین مقوله علی کل اهمیت و جزئی است.

گزارشی از مقاومت روستائیان کلدگر محله بابل در مقابل تهاجم پاسداران سرمایه

در تاریخ ۶/۲/۶۰ به ما شین حاصل با سواران مسلح از شهر بابل جهت تسکین هوا داران و سنا هدین وستین کتا بختان آنان به روستای کلدگر محله میروند. پاسداران ابتدا از مسئولینسی کلدگر اطراف کتا بختها به بونده تقا می کلید میکنند اما بجای آنکه از باده دن کلید خود را بگریه و بپسندار از هم می تگنن تقف، واراد کتا بختها نه شده و منول وارتمان موسائل آن را از زمین می بریدند و بنا ل آن به تن از خود ازاران مجاهدین را که دونایشان ۱۴ سال بودند با ضرب و شتم به درون ما شین انداخته و قعد حرکت به شهر را -

برگزاری مراسم سخنرانی امام جمعه بابل و فرمانده چماقداران باشکست مفتضاحانه ای مواجه شد

بنا ریخ ۶/۲/۶۰ از طرف انجمن های اسلامی ۱۷ روستا برینا مسخنرانی در روستای کلدگر محله (با بل کذا نشسته میشود. ابتدا قرار بود سخنرانی در ساعت ۲ بعد از ظهر شروع شود اما به علت خالی بودن مسجد سخنرانی به ساعت ۴ بعد از ظهر موکول می شود. وظیفه قرار قبلی قرار بود تا الله روحانی امام جمعه شاهر بابل و فرمانده چماق داران سخنرانی کنند ولی بعد از ۳ بیت الله توحیدی نماینده شخصی مذکور جهت سخنرانی حاضر نمیشود. سخنران طبق معمول با کوبیدن در فدا ثیان و مجاهدین با حضور کمتر از ۲۵ نفر شروع می کنند. با حضور کمتر از ۳۰ نفر تمام میسرانند. غالب توجه است که سخنران مرتباً از طرف طول

شهادت معلم فدائی بدست مزدوران رژیم در ارومیه

در خطا هرات خبا یانی کسه روز شنبه ۶/۲/۶۰ از طرف هوا داران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برگزار شد که در بدین ترتیب جمله حزب اللهی ها و فدائیانهای جناحکا روبا سارا ارتجاع یکی از رفقای رزمنده ما با کتلو کت با سارا در آن سرما به گریه بر قلب پاک و شینه اش فرو ریختند ما بشما از زنده پاک و آزادی برنده ما دکونیم خون سرخ خود را در راه ما روری انقلاب و آمان والای کارگران و زمینگان ایران هدیه نمود. راهن جا ودان و یا دشمن گرامی باد.

رفیق محمدرضا (امیر) فدا و آزاد در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده فقیر متولد گردید پس از اخذ فوق دیپلم از دانشگاه تربیت معلم، در قریب به شش سال دیری برداشت و در مقابل ارتقا آگاهی ها نشا اموزان سقز میگردانند فدا لبت نمود.

پس از قیام شکوهندلقه های ایران با تمام توان خود در پیس فدا ثیان بلخ لوزنگی انقلابی خود را ادامه داد و در صورتی که تیرهای انقلابی کردستان به افضای ما می رسیدند جناحکاران رژیم جمهوری اسلامی پرداختند. در اواسط سال پنجاه و هشت بدست دغا کت های فرماندهی رژیم بدست بمباران ۲۲ رزمنده دیگر به اعدام محکوم میگردد ولی رفیق با شجاری انقلابی خود سر قرار ترک می نماید.

رفقای هوادا ربا زمان در ارومیه در اعلامیه ای که با این مناسب منتشر کرده اند می نویسند:

در این میان سازمانها و گروههای انقلابی با درس آموزی از تجربیات اخیر متعهد می شوند با تشکیل یک بلوک قدرت، یک آلترناتیو سیاسی انقلابی ارائه میدهند تا نیروی توان قبضه قدرت سیاسی را نیز تسخیر خواهند داشت و با اینکه انقلاب و ضد انقلاب حاکم طی این نبرد با قدر یکدیگر را خسته و فرسوده خواهد کرد تا بالاخره نیروی دیگری که با بنامش شواهد موجود را در دست خواهد گرفت.

این است محتمل ترین چشم اندازی که در برابر ما قرار دارد.

اربعین

بقیه از صفحه ۱۷

شده بود. با رشد و گسترش جنبش نویدی و حمایت وسیع و همه جانبه نه شده سازمان ما زیر پر پراندی، دولت ایرانند مجبور به لغو حکم اعدام می گردید.

از سوی دیگر به گزارش سحرگرا به دولت معافه کتا رتا چو کتا هند محبوسیت افروز آزادی هوا مان ایرلند است. نفوذ جنبش ملی میان نوه ها است و می بیند که زندانیان سیاسی و استعجاب فدای آسها یوا ز پشتبانی و پشتیبانی برخوردار می گردد. محصور شده است سیستم اداره ایرلند را تغییر دهد و همین منظور شکوی دولت انگلستان در ایرلند از زنده تیمان

استقلال - کار - مسکن - آزادی



اخبار کوتاه کارگری



سرکوب توده‌ها

* یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به حقوق دموکراتیک توده‌ها، اعدامهای دسته جمعی انقلابیون و هواداران - سازمانهای سیاسی، سازماندهی و بسیج باندهای سیاه و... موج نفرت و انزجار توده‌های زحمتکش میهنمان را برانگیخته است. در کارخانه، محله و هر کوی و برون صحبت از بازگشت اختناق، اعدام - های بدون محاکمه، دستگیریها و... است. کارگران با بیعت و نایابوری به اقدامات ضد خلقی جمهوری اسلامی - میگردند و همشان نسبت به کمیت از - بین میروند. در این میان مدیران - کارخانه‌ها و انجمنهای اسلامی برای در دست گرفتن اوضاع و ایجاد آرامش -

برای سرمایه داران که همان ایچمناد اختناق و سرکوب خواستهای کثرت رگران است، از هر چه ای بهره گرفته اند. تفتیش بدنی، کتک زدن کارگرانی که با جمهوری اسلامی مخالفت میکنند، تشکیل گروه ضربت و اخراجهای دسته جمعی، دستگیری و زندانی کردن نمایندگان مترقی شوراها و کارگران پیشرو شیوه‌ها نیست که به وسیع ترین شکلی در کارخانه‌ها اعمال می‌شود.

* در شرکت واحد تا ریح ۴/۱۳ بدستور مدیریت عده‌ای از اعضای شورای مرکزی دستگیر شده اند. همچنین مدیریت ضمن بازدید از تعمیرگاه ۶ حکم اخراج یکی از اعضای شورای این تعمیرگاه را صادر کرد.

* در کارخانه جنرال موتورز بدستمال تهدید یکی از اعضای انجمن اسلامی مبنی بر اخراج کارگران از روز ۴/۱۳ دستگیری کارگرانی که از ۲ سال پیش اسمشان در لیست انجمن اسلامی بود شروع شد. اول صبح جاسوسان انجمن اسلامی جلسوی در ورودی کارخانه ایستاده بودند و ورود کارگرانی که اسمشان در لیست بود به کارخانه جلوگیری میکردند و آنها را بداخل یک جیب و اتوبوس سرویس - کارخانه نشانده و به دادستانی بردند. در آن روز حدود ۱۰۰ نفر از کارگران - کارمندان و مهندسان دستگیر شده اند. گفته میشود در چند روز آینده حدود ۱۰۰۰ نفر دیگر دستگیر خواهند شد.

در بنزخا و ریگشده ۴/۷ پاسباران به راهمائی ۳ نفر از اعضای انجمن اسلامی کارخانه به خانه یکی از نمایندگان شورا می‌ریزند در مقابل اعتراض همسر و فرزندانش تهدید می‌کنند که او را ز طبقه سوم به پائین پرت خواهند کرد. کارگران پس از شنیدن خبر دستگیری نماینده شورا طوماری با امضای اکثر کارگران کارخانه تهیه کرده و خواستار آزادی - نماینده شورا میشوند. کارگران میگویند

اگر نماینده خرمی مرتکب شده باشد در حضور آنها محاکمه شود. آنها برای آزادی نماینده شان تا روز شنبه به دولت وقت داده اند و در صورت آزاد شدن او او را اعتبار خواهند کرد. انجمن اسلامی علاوه بر این اساسی ۵۴ نفر دیگر از کارگران و - کارمندان را به مدیریت داده است.

در کارخانه: تولییدار و دن با کمترین دارو پخش انجمن اسلامی کارگران را تفتیش بدنی می‌کنند. در دارو پخش کارگری که به اعمال حزب جمهوری در رابطه با بنی مدرونیروهای انقلابی معتزلی - بود، بوسیله انجمن اسلامی شدیداً کتک خورد. در ایران تا سیونال کارگری را که بعد از شنیدن خبر ترور خا منتهای - خوشحالی میگردد، بدفتر انجمن صدا کرده و شدیداً کتک زده اند.

* در راه آهن اعلامیه‌ای با امضای گردان انتقام حزب الله " داده شده که اساسی ۲۳ نفر از کارکنان در آن نوشته شده ضمن تهدید همگی این عده به مرگ از آنها خواسته شده که استعفا کنند.

در بار چینی، ۳۷ نفر از کارکنان دستگیر شده اند. در دیگر کارخانه‌های صنایع دفاع نیز تا بحال حدود ۲۵ نفر دستگیر شده اند.

* در گروه زامیاد حدود ۳۶ نفر از کارگران جلوی در کارخانه با زداشت شده و از آنها مستقیماً " به دادستانی برده شده اند. هم چنین یکی از کارمندان کارخانه زر - بنام ابراهیمی به جرم طرفداری از سازمان مجاهدین در زندان اوین تیر باران شد.

کارگران مبارزان! برای دفاع از دستاوردهای قیام خونبار بهمن ۵۷ و غنشی کردن توطئه اختناق و سرکوب حزب جمهوری اسلامی متحد و یکپارچه به مقابله با اخراج و دستگیری کارگران آگاه و پیشرو بسوز خیزیم.

انتخابات و تحریم کنید

هموطنان مبارز!

انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار میشود که رژیم جمهوری اسلامی ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی توده‌های مردم را کدمال کرده است. هزاران تن از فرزندان انقلابی خلق دستگیر و در بازداشت بسر میبرند. همه روزه تعدادی از انقلابیون اعدام میشوند. مطبوعات و نشریات مخالف تعطیل و توقیف شده اند. احزاب و سازمانهای سیاسی از حق فعالیت علنی محروم شده و عملاً "غیر قانونی" اعلام شده اند. تظاهرات، راهپیماییها، میتینگها و سخنرانیها ممنوع شده است. آزادی بیان و آزادی عقیده بکلی از میان رفته است. هرگونه اعتراض کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش میهن ما قهرماً میسر سرکوب میشود.

هموطنان مبارزان! رژیم جمهوری اسلامی که طی دو سال و نیم حکومت خود جز فقر، گرانی، بیکاری، جنگ و آوارگی ارضانی برای مردم نداشته است. اکنون که در برابر بردن رضایتی مردم سقوط حکومت خود را نزدیک می‌بیند، به سیاست ترور و سرکوب و دیکتاتوری آشکار متوسل شده و می‌کوشد با ایجاد محیط رعب و وحشت توده‌ها را از حرکت انقلابی بازدارد.

هموطنان مبارزان! دو سال و نیم حکومت جمهوری اسلامی به شما نشان داد که قول و قرارهای حکومت جز وعده و وعیدهای بوق و فریاد پوچ نبوده است. تجربیات دو سال و نیم گذشته به شما نشان داد که انتخابات رژیم جمهوری اسلامی فریبی بیش نیست. شما در فرا اندوم جمهوری اسلامی، در انتخابات مجلس خبرگان، در انتخابات شورای اسلامی، در انتخابات رئیس جمهور و... شرکت کردید با این امید که پس استقرار این نهادها خواستهای شما برآورده شود. اما در عمل تجربه کردید که هیچیک، یک گام عملی در جهت منافع شما برنداشتند. بسز کتاری بنی صدارت ریاست جمهوری نیز یک تجربه دیگر بود و شما در عمل دیدید که رژیم حتی به انتخابات قلابی خودش هم پایبند نیست. هموطنان مبارزان! رژیم جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میتواند درخواستهای مردم را برآورده سازد. ادا مه حیات این حکومت یعنی ادا مه فقر، بدبختی، بیکاری، اختناق، جنگ و آوارگی. با تحریم انتخابات، انزجار و نفرت خود را نسبت به رژیم موجود نشان دهید. در انتخابات شرکت نکنید، مبارزه خود را علیه رژیم جمهوری اسلامی شدت بخشید و در راه ایجاد دیکتاتور و سرکوب و انقلابی، که متکی به شوراها و انقلابی توده‌ایست مبارزه کنید و حکومت دلخواه خود را ایجاد کنید.

مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراها و انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۲۵ تیرماه ۱۳۶۰

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران



۲۳ تیر سالروز اعتصاب نفتگران را گرامی داریم و اپورتونیسیم حزب توده را افشا کنیم

۲۳ تیر ماه سالروز اعتصاب خونین کارگران صنعت نفت جنوب است. اعتصابی که در سال ۱۳۳۵ با شرکت ۱۵۰ هزار نفر از کارگران جنوب شکل گرفت و با همکاری نیروهای ارتجاع داخلی، استثمار - انگلیس و حزب توده ایران به شکست انجامید. بررسی چگونگی شکل گیری این اعتصاب، که در نوع خود در تاریخ جنبش کارگری ایران بی نظیر است، مستلزم بررسی اوضاع سیاسی ایران در آن زمان بطور کلی و جنبش کارگری در طی سالهای ۲۵ - ۴۰ است.

الف اوضاع سیاسی

میدانیم که پس از شهریور ۱۳۲۰، زمانی که ایران به اشغال متفقین درآمد، - دیکتاتوری رضاخانی نیز شکسته شد و به دنبال آن محافل و جمعیت های اجتماعی و سیاسی یکسبه مثل قارچ از زمین سر بر آوردند. در این زمان بود که تنی چند از افراد گروه ۵۳ نفر، با زماندگان حزب کمونیست ایران و چند نفر از دموکراتهای لیبرال آن زمان بعنوان مؤسسیین حزب توده موجودیت حزب را اعلام کردند. در این ایام با ورود ارتش های خارجی اوضاع اقتصادی شدت روبرو خاست - نهاد. آثار اقتصادی جنگ بمعنی واقعی آن در ایران آشکار شد، ارزاق عمومی شدت کمیاب بود و نشانه های فحطی در شهر و روستا دیده میشد.

شرکت انگلیسی نفت در جنوب کما - کان به غارت و بیاول منابع خام ایران و استعمار کارگران ایرانی، هندی و آفریقائی شاغل در صنعت نفت ایران اقدام میداد. بریسترا این اوضاع و احوال بود که حزب به سرعت رشد یافت و به مهم ترین جریان سیاسی تبدیل شد.

حزب توده از همان ابتدا بدون توجه به اوضاع داخلی ایران، رشد جنبشش توده ای، جنبش کارگری و مبارزه ضد - امپریالیستی در میهن ما، نزدیک - تا کینگی روسیه شوروی و امپریالیسم انگلیس را میداد. اتحادات کنیکهای خود قرار داده و در برابر امپریالیسم انگلیس و اکنش نشان میداد. حزب که در این زمان فاقد هرگونه استراتژی ملی بود کورگورانه سیاست های بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی را در نیمسال میکرد و از مبارزه جدی با ارتجاع داخلی و استعمار انگلیس سر باز میزد. نتیجه این سیاست ها چنانچه خواهیم دید، وارد کردن ضربات اساسی به جنبش کارگری ایران بود.

ب - وضعیت جنبش کارگری

در خلال سالهای ۲۵ - ۴۰ جنبش کارگری در ایران بسرعت رشد یافت و در

بروسه رشد خود منجر به تشکیل شورای مرکزی اتحادیه کارگران ایران شد که تا سال ۱۳۳۵ تعداد اعضای آن به ۴۰۰ - هزار نفر میرسید. اعتصابات کارگری هر روز گسترش می یافت. در این اعتصابات خواسته های اقتصادی و سیاسی مطرح - میشد. در سالهای ۲۴ و ۲۵ اعتصابات - کارگری در جنوب گسترش چشم گیری پیدا کرد و تقریباً تمام نواحی جنوب را در بر گرفت.

حزب توده که رهبری شورای مرکزی اتحادیه های کارگری را در این زمان در دست داشت بخاطر سلطه انگلیسی بر مباحث جنوب تا سال ۲۵ اقدام به تشکیل اتحادیه در این نواحی نکرده بود. اما مبارزات کارگران در سال ۱۳۳۵ - منجر به تشکیل اتحادیه در آبادان، آغا جاری مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت خیز جنوب شد و این اتحادیه ها به شورای مرکزی پیوستند. در همین سال برای اولین بار اول ماه مه با شرکت ۸۰ هزار نفر از زحمتکشان خوزستان جشن گرفته شد و فدای آن کارگران پالایشگاه آبادان با طرح یک سری خواسته های اقتصادی - دست به اعتصاب زدند.

متقابلاً از چهار دهم تابست و نهم اردیبهشت ماه ۱۵ هزار نفر از کارگران نفت آغا جاری نیز با طرح یک سری خواسته های سیاسی و اقتصادی دست به اعتصاب زدند. متجاوزان انگلیسی و دولت مرکزی که تلاشهایشان برای سرکوب جنبش کارگری بی نتیجه مانده بود، مجبور به عقب نشینی شدند. آنها که از گسترش موج اعتصابات وحشت داشتند، خواسته های کارگران را پذیرفتند و از سوی دولت مرکزی لایحه قانون کار تصویب شد. در این لایحه علاوه بر اضافه دستمزد، ساعت کار، صندوق تعاونی کارگران - مواردی از قبیل یک روز مرخصی با حقوق در هفته، ۱۵ روز مرخصی با حقوق و تعطیل رسمی اول ماه مه با پرداخت حقوق پذیرفته شده بود. اما شرکت انگلیسی نفت از اجرای مفاد این لایحه سر باز زد و در عوض با بسیج عشا بر جنوب، مسلح کردن آنها و همکاری نزدیک با فرماندار آبادان، رؤسای شهریانی مناطق نفت خیز - و استاندار وقت خوزستان آماده سرکوب جنبش کارگری شد.

در ۱۱ تیر ماه ۱۳۳۵ مجدداً "اعتصاب با شرکت ۶ هزار نفر از کارگران آبادان شروع شد و بلافاصله به سایر مناطق سرایت کرد. اعتصاب نواحی زیادی از قبیل مسجد سلیمان، آغا جاری، دارخوین، کوت عبدالله، هفتگل، هواز، بندر معشور و گچساران را در بر گرفت. شرکت نفت هم - چنان در برابر کارگران مقاومت میکرد و پرداخت حقوق روز جمعه را منوط به کسب اطلاع از لندن مینمود. جنبش کوشنده و پرتوان پیش میرفت ۱۱۰ روز مهلت برای شرکت نفت در نظر گرفته

شد. روز ۲۳ تیر ماه بدنبال پایان یافتن مهلت ۱۱ روزه، اتحادیه کارگران نفت، در سایر مناطق نفت خیز جنوب اعلام - اعتصاب عمومی کرد. حدود صد و پنجاه هزار نفر به اعتصاب پیوستند. خواسته های آنان عبارت بود از: ۱- برکناری استاندار و مزدور خوزستان (مصباح فاطمی) ۲- خلع سلاح "اتحادیه عشا بر خوزستان" ۳- منع شرکت نفت از مداخله در امور داخلی ایران ۴- تبدیل شرکت نفت به یک شرکت خالص تجاری ۵- تعطیل شعبات سیاسی شرکت و اخراج سران آن از ایران ۶- اجرای کامل قانون کار، اعتصاب مورد تهاجم نیروهای ارتجاع داخلی و استعمارگران گرفت. در آبادان حکومت نظامی اعلام شد. پالایشگاه آبادان به اشغال سربازان درآمد. عمل اتحادیه عشا بر به کارگران حمله کردند، نتیجه این حملات در روز اول این بود که ۴۲ کارگر شهید شدند. ۱۷۳ نفر زخمی و تعداد زیادی نیز دستگیر شدند. کارگران مردانه مقاومت میکردند. در شهرهای دیگر اجتماعات و تظاهرات وسیعی به پشتیبانی از کارگران نفت و علیه امپریالیسم انگلیس و دولت مرکزی صورت گرفت. موج اعتصابات و تظاهرات دولت مرکزی را واداشت تا از طریق مذاکره مسئله را حل و فصل کند. بسیاری این کار قوام السلطنه هیئتی مرکب از اعضای دولت و نمایندگان شورای متحده مرکزی کارگران، که از اعضای حزب توده بودند به خوزستان اعزام داشت. آنها با وعده و وعید کارگران را به شکست - اعتصاب و بازگشت به کار دعوت کردند. و بدین گونه اعتصاب بزرگ کارگران صنعت نفت پایان یافت.

ج - اعتقالاتی جنبش کارگری

بررسی جنبش کارگری در این سالها (۲۵ - ۴۰) سرعت رشد، گسترش تشکلهای اعتصابات کارگری نشان میدهد که جنبش کارگری در این مدت ویژگی های بارزی داشته است. گسترش زیاد، عمق و استمرار جنبش از خصوصیات این دوره بوده اند. اعتصابات که از یک نقطه شروع میشود و به سرعت به مناطق دیگر میگردد. تعداد - اعتصاب کنندگانی که بسرعت افزایش پیدا و مدارد. حمایت کارگران در نواحی و مناطق دیگر که نشانه شکل سازمان - یافتگی صفوف متحد کارگران است و بالاخره عقب نشینی های پی در پی دولت مرکزی و شرکت نفت که با سرکوب های - خونین قادر به جلوگیری از جنبش نیستند، از ویژگی های بارز این دوره اند. اما - همه این شواهد بر چند چیز دلالت دارد؟

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

عقب نشینی موقت کارگران تعرض گسترده آنها را در پی خواهد داشت

بقیه از صفحه ۱

رژیم جمهوری اسلامی در طول دو سال و نیمه اش همواره تلاش کرده تا دستاورد های قبایم بهمن ماه و مواضع دموکراتیک را که توده ها با قیام مومنان روزه خویش کسب کرده بودند از آنها باز ستانده و ترور و اختناق را بطور کامل حکمفرما سازد، اما هریار - با مقاومت توده ها روبرو شده و مجبور به عقب نشینی شده است. یورش سراسری و همه جانبه ۲۸ مرداد سال ۵۸ یورش وحشیانه به خلق کرد و ترکمن، یورش بدانشگاهها در اردیبهشت سال ۵۹ بارزترین نمونه های حمله رژیم برای معودت و رده های دموکراتیک توده ها است.

وجه تما یز یورش اخیر رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب نیروهای انقلابی و فرو نشاندن جنبش توده ای، در دو مسقط و دامنه گسترده آن، گشتن رواج اعدای بی سابقه و تکیه بیش از پیش بر ارگانهای منظم غیر منظم سرکوب و فقدان بسیج وسیع توده های آنست.

در هفته های اخیر شهرها و روستاهای میهن مان عرصه تاخت و تازهای وحشیانه و چنانچه تکانه حزب حاکم و دادگاههای تابمه آن بود، در این مدت هزاران تن از نیروهای پیشرو و انقلابی دستگیر و زندانی شدند و دهها تن از بهترین فرزندان خلق به جوخه های اعدام دادگاههای شاه انقلاب سپرده شدند. موج دستگیری کارگران پیشرو در کارخانه های اقمیاد سابقه ای یافته، مدوینجه فقر، صد فقر، شمت فقر، دستگیریهای گروهی و دسته جمعی کارگران پیشرو، ماهیت فدکا رگری رژیم را بهت می آشکارا ساخت.

موج سرکوب و گشتن رکه بویژه پس از زیم گذا ریدر دفتر حزب جمهوری اسلامی خوشنت بارز گذشته، وقفه ای کوتاه در مبارزات کارگران ایجاد کرده و سکوئی توام با خشم و نفرت را در میان کارگران دانستن زده است.

بررسی این وضعیت کارگران و ترسیم چشم اندازی مبارزات کارگری و کوشش برای کشاندن کارگران به عرصه فمقال مبارزه و اتحاد کتیکها شکی که نتوانند توده های کارگر را به مبارزه کشانده، نیروی عظیم طبقه کارگر را در مسیر صحیح هدایت نماید برای جنبش انقلابی حاشز اهمیت درجه اول می باشد.

برای بررسی وضعیت کنونی جنبش کارگری کمی به عقب بزم میگرددیم، به زمانیکه مبارزات گسترده کارگران با آغاز جنگ بین دولتین ایران و عراق - با افتی موقتی روبرو گردید و یوروزی نتوانست بزایمدتی کوتاه با یسر انگیزش احساسات و شور میهن پرستی کارگران دستا و یز فرار دادن جنگ مبارزات کارگران را سرکوب نموده و وقفه ای کوتاه در مبارزات کارگران وجود آورد و آنان را به تولید بیشتر فرا خواند. اما این فریب یوروزی دوام نیافت. ماهیت ارتعاب جنگ بیسن دودولت میمان شدید اقتصادی و سیاسی، فقر و فلاکت عظیم توده ها که با آغاز جنگ

دوچندان شده بود، بسرعت این حریبه یوروزی را نیز پس از شراخت و اندکسی پس از شروع جنگ دوباره موج مبارزات کارگری با عمق و گسترش به مراتب بیشتر حرکت روزه انقلابی خود را آغاز نمود. در پایان سال گذشته اعتصابات کارگری در بسیاری از کارخانه ها جریان داشت و کارگران بطور وسیع در حرکت های دموکراتیک جامعه شرکت میکردند. در این دوره همراه با زده شدن اعتماد نا آگاهانه کارگران نسبت به حزب جمهوری اسلامی و خمینی، توهم نسبت به بنی صدر در میان آنان روبروئی بود. این روند پس از ۱۴ اسفند شتاب هر چه بیشتری بخود گرفته بود.

در هفته های آخر مرداد ماه که برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری عملی شد و تاوانی بنی صدر در مقام بله با حزب سکوت و کنارت رفتن وی از صحنه سیاسی همزمان با بسیاری از توهم کارگران را نسبت به بنی صدر فروریخت و بیش از پیش گرایش به نیروهای انقلابی در بین کارگران تقویت گردید.

سرکوب نیروهای انقلابی، اعدام دست جمعی انقلابیون بویژه اعدا م رفیق فدائی شهید سید سلطه نورانی نمکان سومین در میان کارگران پیدا کرد، تنفر و انزجار اغلب آنها را برانگیخت. بحث های سیاسی در کارخانه ها و اوپو گرفت. بحث حول اعدام انقلابیون و سیاست سرکوب گران حزب جمهوری اسلامی محور بحث های کارگران - را تشکیل میداد. خواسته های اقتصادی - گاملا" تحت الشماغ خواستها و بحث های سیاسی کارگران قرار گرفته بود. نمونه ها شمشیر سید را به کارخانه آورده و خوانده بودند. در بحث کارگران گرایش به نیروهای انقلابی گاملا" مشهود بود. انجمنهای اسلامی و صیما" متفرق و بیرونه شده و مورد تنفر توده کارگران قرار گرفته بودند.

اما بدنبال سرکوبهای وحشیانه و جنایتی رژیم جمهوری اسلامی بویژه - پس از ۳۰ خرداد تاکنون که مدها تن از بهترین فرزندان انقلابی خلق قربانی آن شدند و هزاران تن دیگر به سیاهال ها رژیم کشانده شدند و بویژه پس از انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی و تشدید سیاستهای سرکوب گران رژیم - اثرات خود را هر چند کوتاه مدت و موقتی بر روحیه توده ها از جمله کارگران و اشکال مبارزات آنها بر جای گذارده و سکوئی توام با خشم و نفرت در میان کارگران دیده می شود. سکوئی شنا که از خود علیا نی انقلابی ها کی از همبستگی با مبارزین اعدا میم اسپر سخن می گوید. اکنون با سداران و کمینه چی ها میسرمانه دمدر کارخانه ها مستقر شده اند و به بهانه حمل بمب به بارزی بدنی کارگران هنگام ورودیسه کارخانه می پردازند. انجمنهای اسلامی قدرت یکه تا زمین شده اند و بسیاری از کارگران پیشرو هر کسی که قبلا" توسط

انجمنهای اسلامی شنا سانی شده بودند دستگیر و زندانی و با اغراض مختلف تحت این جو ارباب تاکنون کارگران ندرتاً به اعتراض گسترده و فعال علیه این تنقیحات رژیم دست زده اند.

حزب جمهوری اسلامی و هدف اصلی راد را بطنه با دستگیری جمعی کارگران پیشرو - دنبال می کند، نخستین هدف وی ایجاد جوتوروزی رعب و جلوه گیری از گسترش مبارزات روزه اعتلا کارگران است و دومین هدفش حذف کارگران پیشرو از مرکز کارگری است، چرا که بخوبی واقف است که کارگران پیشرو نقش ارزنده ای در سازماندهی اعتراضات کارگران، تنظیم خواستها و رهبری مبارزات کارگری بر عهده دارند.

بررسی عمیق وضعیت جنبش کارگری در مجموع خود بسیار نگران افقی موقتی در مبارزات آشکار کارگران است. ارزیابی عینی نشان میدهد که در برابر یورش سرکوب گران رژیم، کارگران بیک عقب نشینی نسبی تن داده اند. اینک کارگران در برابر دستگیری دهها و صدها تن از همکارانشان حرکت اعتراضی می کنند، به مخالفت جدی با استقرار نیروهای مسلح در کارخانه ها و بارززی می پردازند. کارگران نمی پردازند در برابر تکیه تازیهای انجمن های اسلامی سکوت می کنند و غیره... همگی حاکی از این عقب نشینی نسبی است.

اما این عقب نشینی نسبی را نمیتوان یک رکود طولانی مدت و یک شکست کامل ارزیابی نمود. این عقب نشینی موقت برای ایجاد قواست این یک عقب نشینی موقت است تا جنبش با نیروی پیشرو به تدریج ببرد ازاد گامی است به عقب نشانی جهشی بجلو داشته باشد. اینرا بررسی مجموعه شرایط اقتصادی اجتماعی و سیاسی و توازن نیروهای طبقاتی به عینه نشان میدهد.

توده ها بیش از پیش به برآورده شدن خواسته های واقعی شان توسط رژیم جمهوری اسلامی پی می برند، و به عدم مکان تغییر از با لا گامی می بینند و بطور دمافزونی به درک ضرورت تغییر از با شین تا کل می پیوندند هر چند هنوز توان و آما دگی دست یازیدن به اشکال کاملاً شکارو - انقلابی وجود ندارد، اما ایده سرکوبی رژیم در میان توده ها تصحیح میگردد. بحران اقتصادی شدت وحدت می یابد، ناراضی توده ها اوج میگیرد، ششدهای طبقه عمق یافته و تمارقات اجتماعی گسترده میشوند. حزب جمهوری اسلامی با دست زدن به سرکوب وحشیانه و اعدام چنانچه تکانه انقلابیون بمرض تشبیت و تحکیم خویش نا قوس مرگش را برده و آورده است و در میان توده ها منفر و تروری اعتبار و ترس می گردد. علمبر غم میگوید های وسیع و خانه گردیهای بیرویه، دستگیریهای وسیع و عملیات سبانه، رژیم نتوانست ضربات اساسی بر نیروهای انقلابی وارد آورد، خلق گردانید و تکانه و مسلحانه در برابر

بقیه از صفحه ۱



با تصویب طرح الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری قصابخانه‌های جمهوری اسلامی شکل قانونی و همیشگی می‌یابند

مردم ما سیاه و وحشتناک عملکرد این قصابخانه‌ها را از همان ماه‌های پس از قیام در سرکوب نیروهای انقلابی و شوه‌های مبارز دیده‌اند. آنها دیده‌اند که حتی رژیم‌های این دادگاه‌ها از جانب ساواک نظیر شورای آرش برای کوییدن سازمانهای انقلابی استفاده کرده. مردم بیاد می‌آورند که چگونه هشت ماه پس از قیام همین بیدادگاهها در کردستان به دستور خلخال‌چی جنایتکار ردکتر شوشن سرداری، گرجی، بیانی و... با محاکمات چندساله بجزوخه اعدام کثرت‌کننده سوانی آن در سراسر جهان بلند شد. مردم دیدند که چگونه یکی دیگر از این قصابخانه‌ها بسرکردگی قیام‌گرا زاین قصابخانه‌ها جنایتش شهره عام و خاص است در کرمان برادران میرشکاری، این فدائیان خلق را که گناهی جز آنکه می‌دادن به کارگران از طریق توزیع کتاب دربین آنها نداشته اند با محاکمات چندساله اعدام کرد. مردم فراموش نکرده‌اند که بدست همین بیدادگاهها و بدستور خلخال‌چی بود که حکم قتل چهار رهبر خلق ترکمن: توماج، جرجانی، واحدی و مخوم ما در شد ولی ایزدست می‌دم‌داستانی قلابی ساختند که گویا بدست یک گروه ناشناس کشته شده‌اند، بویا مردم طردا رند که چگونه بدست این قصابخانه‌ها دکتر تریمیسا - پزشک خلق و دهها مبارز انقلابی و مبارزان خلق عرب در اهواز و سایر شهرهای خوزستان با اعدام محکوم شده و بجزوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند. همین بیدادگاهها بودند که پس از "تسخیر" سندج در بهار ۵۹ - دست‌دسته دختران و پسران مبارز کرد را در سندج، سقز، مها بادو... به‌جوخه اعدام کردند. بویا لایحه همین با مصطلاح دادگاههای انقلاب با قصابخانه‌های جمهوری اسلامی که سران خائن ارتش و آزادی‌مکنندوا میثرا نظام‌ها با آنهمه مدرک جاسوسی را تنها به زندان محکوم می‌کنند در سه هفته اخیر بیش از صد نفر از انقلابیون وابسته به سازمانهای فدائیان خلق، مجاهدین خلق، پیکار و سایر مبارزان را در تهران، تبریز، اصفهان، بابل، رامسر، چالوس، بهشهر، اهواز، قائم‌شهر، کرج و... با محاکمات چندساله و بدون رعایت کوچکترین موازین قانونی و بشری شهادت رساندند آنها را اعدام انقلابیون و مبارزانی چون سعیدسلطان‌نور، محمد قاضی، رحمانی و دختران و پسران ۱۴ ساله که به‌آزمان خلق و قادیار آمدند کینه‌ده منشا که خود را به مبارزان و درنده‌خوشی خویش را نشان دادند. سیاه عملکرد این بیداد - گاهها، ما هیت ضد خلقی، ضد بشری و قرون وسطایی این قصابخانه‌های جمهوری - اسلامی را برای توده‌های میلیونی خلقهای ما آشکار ساخته است. قصابخانه - هائی که در قاصوت و سنگدلی و نقض تمام موازین بشری و تنهائی بیدادگاههای فاشیستهای هیتلری، جنایات آمریکا در ویتنام و صهیونیستها در فلسطین قابل مقایسه است.

واکنش دولت جمهوری اسلامی سال قانونش را با قانونی واداشتی کسردن چنین ابزارهای سرکوب ضد خلقی بدل می‌کند و در این میان تمام خائنان و مردان بی‌طبقه که رگ و خلق که نقضن مشاطه‌گری رژیم را بعهده گرفته‌اند بر این اعمال جنایتکارانه صحنه می‌گذارند!

در کرمان گرم یورش حاکمیت به حقوق و آزادیهای مردم، شکنجه و اعدامهای دسته‌جمعی مبارزان و انقلابیون و کشتار مردم در کوجه و خیابان و دستگیریهای وسیع مردم و بپر کردن زندانهای رسمی و غیررسمی از آنها و خانه‌گردیهای گسترده که خاطرات خانه‌گردیهای سالهای سیاه رژیم‌ها را زنده کرده است، مجلس شورای اسلامی ماده واحده الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری را تصویب رساند. ماده واحده میگوید: "داد - گاهها و دادگاههای انقلاب بخشی از دادگستری جمهوری اسلامی است و زیر نظر شورای عالی قضائی اداره میشود و طبق مصوبه ۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب عمل خواهند کرد."

با این ترتیب، دادگاههای انقلاب که بعنوان دادگاههای موقتی و پسرانی مقاله با عوامل رژیم شاه در ماههای اول به بعد از قیام موجود آمدند ولی پس از مدتی کوتاه بدل به چاقی علیه نیروهای انقلابی گردیدند و مطابق قانون اساسی دست‌بخت خودشان می‌یابستند منحل شوند، با این ماده واحده صورت رسمی و قانونی یافته و بصورت دائمی تثبیت شده‌اند. این دادگاهها که از نظر نحوه دادرسی هیچگونه ضابطه‌ای را رعایت نکرده و مطابق آنچه عملکرد آنها نشان میدهد طرف چندساله پس از دستگیری و حتی قبل از احراز هویت بازداشت شده را اعدام می‌کنند دادگاههای هستند که یکعده جنایتکار حرفه‌ای بنام حاکم شرع نظیر خلخال‌چی، فهیم، کیلانی، ایمانی، جنتی و... بر آن حاکمند و دستشان تمام مرفق در خون انقلابیون و مبارزان قرار گرفته است. این دادگاهها احکام خود را بموجب قوانین دوران رضاشاه و محمد رضا شاه (قوانین دادرسی ارتش و مقدسین علیه امنیت کشور مصوب ۱۳۱۰) و مقررات شرع صادر میکنند. زیرا مصوبه ۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب که مورد استناد ماده واحده قرار گرفته بجای دادگاههای نظامی دوران شاه، دادگاههای فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب را پیش‌بینی کرد، ولی از نظر قوانین همان قوانین سابق رانایظربرا آنها داشته و در حقیقت وظایف ساواک و دادرسی ارتش را برای آنها تعیین کرده است. تجربه دو سال گذشته و عملکرد این بیدادگاهها نشان داده - است که این قصابخانه‌ها دست بیداد - گاههای نظامی رژیم‌شاه را از پشت بسته و در صورت احکام جنایتکاران دستشان بمراتب بازتر از آنهاست. زیرا این دادگاهها علاوه بر اینکه حق دارند از تمام قوانین ضد خلقی رژیم‌شاه علیه انقلابیون، کارگران مبارز، دهقانان محروم و خلقهای تحت ستم و... استفاده کنند هم چنین بموجب ماده واحده حق دارند "... طبق فتاوی امام مظلوم و در مواردی که از جانب امام فتوایی صادر نشده است طبق منابع دیگر معتبر اسلامی که از جانب شورای عالی قضائی با آنها ابلاغ گردید عمل کرده و برای ما صادر کنند". و از این روست که مدتها پیش با عنوان "مفسد فی الارض" و "مخرب یا خدا" مردم را می‌کشتند و زمانی دیگر با عنوان "مرتد و یاغی" و با لایحه امروز با عنوان "باغی" دسته‌دسته فرزندان انقلابی خلق را بجزوخه‌های اعدام می‌سپردند.

۲۳ تیر ... بقیه از صفحه ۶

"واقعیت اعتراف‌هاست توده‌ای که در آنجا از ناحیه‌ای بنا حبه دیگر کشیده میشود، رشد عظیم آنها، سرعت توسعه آنها، تهورکار و گران، کثرت مبتنیکنها و نطفهای انقلابی، مطالبه انشاء جرمه‌ها حتی اول - ماه مه، توأم بودن اعتراف‌ها با سیاسی و اقتصادی که ما از همان انقلاب نخستین روس با آن آشنا هستیم، تمام اینها جنبه واقعی جنبش، یعنی انقلابی است توده‌ها را برای تعیین نشان میدهد - (لنین - اعتلای انقلابی)

تردید نیست که جنبش کارگری در آن ایام در بهترین شرایط ممکن و در حالت اعتلای قرار داشت. اما برخورد رهبران شورای متحده مرکزی با جنبش کارگری و جنبش توده‌های بطور کلی حاکی از عمق نظرات اپورتونیستی حزب توده است که در آن شرایط اعتلای جنبش کارگری را نه بخندت گسترش مبارزات - ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم ما بلکه بخندت برقراری نوعی توازن میان امپریالیسم انگلیس و دولت شوروی - گرفت. فشارهایی که از طریق اتحادیه - های کارگری در جنوب بر شرکت نفت وارد می‌شد، وسیله‌ای بود برای اینکه استعمارگران در جنوب حدود درواست و مناسبات خود با متفقیانشان را رعایت نمایند. از این رو بود که حزب توده به تنها چیزی که توجه نداشت اعتلای جنبش کارگری، رهبری مبارزات توده‌های با خطر دستیابی به قدرت توده‌ای بودایت - مبارزه ضد امپریالیستی بود. حزب توده در عمل سیاستهایی را دنبال میکرد که تابع سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی و مستقیماً بر تحلیل اوضاع کلی جهان در آن شرایط بود. بدون این که این تحلیل‌ها در چهارچوب ملی و سیاسی ویزی‌های جنبش در ایران منطبق شده باشد. بدین ترتیب بود که وقتی نمایندگان حزب توده بعنوان نمایندگان شورای متحده مرکزی کارگران در کنار نمایندگان دولت قوام وارد خوزستان شدند و در یک اجتماع ۳۰ هزار نفری برای کارگران - صحبت کردند تخریبی نمایندگان دولت از نمایندگان کارگران کارآسانی نبود، آنها هر دو بقصد فریب کارگران، شکستن اعتراف و آرام کردن اوضاع به نفع دولت مرکزی و با آن مزیت کرده بودند. از این رو بود که نمایندگان حزب توده، حامل هیچگونه پیمانی برای کارگران که بتوانند مبارزات رو بوشد آنها علیه استعمار انگلیس را از هم رتقاء دهند نبودند.

بلکه برعکس کارگران را به سکوت، سکون و ممالحت و آرامش دعوت کردند تا شاید کرسی‌های بیشتری را در کابینه قوام به دست آورند. در آن زمان نیز مسئله به گرفتن قدرت از بالا، بنفوذ در ارگانهای حکومتی، کم‌توجهی به جنبش کارگری و جنبش توده‌ای، دنباله‌روی از منشی کلی و عمومی سیاست جهانی اتحاد شوروی از جانب حزب توده ضریب خود را بر جنبش کارگری ایران وارد ساخت و جنبش بود - که اعتراف صدها و صدها هزار نفری کارگران نفت جنوب با همکاری امپریالیسم انگلیس، ارتجاع داخلی و حزب توده مورد آنها هم‌قرار گرفت و به پایان ناموفق خود نزدیک شد.

امروز نیز حزب توده در قبال کشتار کارگران ایران، دستگیری و تعقیب - کارگران و فعالین سازمانهای انقلابی، موضع ضد انقلابی حاکمیت رانان - می‌کنند و نشان میدهد که ما در قاصوت - های رسوای گذشته خویش را پی گیری - نموده و از اصول خویش دست بردار نیست.

پیرامون یازدهمین اجلاس شورای سراسری صنعت نفت

یازدهمین اجلاس شورای سراسری صنعت نفت در اولین روزهای تیرماه با شرکت شوراهای عملیات پالایش تهران، شورای کارمندان پالایشگاه شیراز، عملیات عملیات پالایش تبریز و شوراهای عملیات فنی اصفهان در پالایشگاه اصفهان برگزار گردید. دستور کار جلسه اعلامیه بیرونی خواسته های کارکنان پالایشگاه شیراز و نحوه ادامه حرکت اعتراضی کارکنان این پالایشگاه بود.

این اعلامیه در واقع دنباله بحث ها و بررسی های اجلاس یازدهم در تهران بود. در اجلاس یازدهم قرار بر این شده بود که شوراهای شرکت کننده در هر کدام جداگانه در مجمع عمومی خود مسائل و مشکلات و خواسته های کارکنان پالایشگاه شیراز را مورد بحث و بررسی قرار داده و بر اساس نتیجه حاصله در اجلاس یازدهم شوراهای سراسری تصمیم گیری شود. لذا در این اجلاس شورای عملیات فنی اصفهان و شورای کارمندان پالایشگاه شیراز به وظایف خود عمل نمود. و آمادگی همکاری خود را برای پیگیری حرکت اعتراضی اعلام نمودند. ما شوراهای تبریز و تهران ضمن حمایت از خواسته های اصولی پالایشگاه شیراز نتوانسته بودند موضع روشنی در قبال حرکت اعتراضی اتخاذ نمایند. شورای عملیات پالایش تبریز اظهار داشت که به علت تجدید انتخابات شورای عملیات عمومی نشده است و شورای عملیات پالایشگاه تهران نیز به علت اینکه در مجمع عمومی ۲۴ مرداد ماه نتوانسته بودند به نتیجه قطعی دسترسی یا به تصمیم گیری رایج مجمع عمومی ۳ تیرماه ۶۰ موکول کرده بود. در نتیجه اجلاس یازدهم کار خود را با تصمیم گیری های زیر پایان داد.

۱- پالایشگاه های تهران و تبریز پس از مجمع عمومی نظر خواهی می توانستند همراه با دیگر پالایشگاه ها حرکت را دنبال کنند و اگر چنانچه موفق نشدند اعلام حمایت از حرکت کنند.

۲- پالایشگاه شیراز و اصفهان در روز ۴ تیرماه ۶۰ حرکت اعتراضی خود را (اعتصاب غذا) راه مدت یک هفته به اجرا درآوردند. (این حرکت بصورت تحریم غذای رستوران پالایشگاه شروع شد.)

۳- کمیته ای بنام کمیته پیگیری در هر شورایی تشکیل گردید و چنانچه نمایندگان ویا همکاران در ضمن کلیه شرکت کنندگان در اجلاس فوق اقدامات ضد کارگری ضد شورایی سید علی آیت الهی با زرس ویژه نخست وزیر در صنعت نفت را محکوم کردند. آنها در پایان اجلاس یازدهم خود چنین اظهار داشتند.

در اطلاعیه مورخ ۱۷ اردیبهشت، سید علی آیت الهی در رابطه با رسمیت نشناختن شوراهای در صنعت نفت شدیداً محکوم میباید نمودیم که شوراهای پالایشگاه اصفهان انقلاب بوده و بودن و نبودن آن توسط کارکنان معین میگردد و لاغیر. آنچه در حاشیه این اجلاس قابل توجه است این است که شوراهای تبریز و تهران در عین حال که در حقانیت و

اصولی بودن کارکنان شیراز تردیدی نداشته و تراتوا شدید میکردند اما در اقدام عمل خود برای دست زدن به یک حرکت یک پارچه و متحد، مصمم نبودند. آنها هنوز یک گام از شوراهای دیگر عقب بودند. شوراهای تبریز و تهران نیز با موقعیت استثنائی روبرو شده، مثلاً آنها نیز سرگود و اختناق را خوب می شناسند. آنها نیز محفورا جنبه های اسلامی حزب ساخته را که امروز بصورت کارکنان توپخانه علیه کارگران مبارزما درآمده و آشکارا اقدام به شتابانسی و دستگیری و تعقیب عناصر فعال شوراهای سایر کارگران قهرمان می کنند. نمی توانستند نگار کنند. هر روز در جلوشم آنها این زائده های رژیم سرگود ترور، اختناق و خفقان و وظایف خود را در جهت ایجاد محیط رعب و وحشت به آشکارا در پیشانگی انجام میدهند. هدف آنها مستقیماً نابودی شوراهای دستگیری نمایندگان شوراهای و ازهم پاشیدن این نهاد های انقلابی است.

رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از اداره بازرسی در صنعت نفت، انجمن های اسلامی، تقویت اداره حرکت و نهادهای اهرم دیگر زیر حمایت ۳ بدستانی که سعی در آن دارند که کوچکترین صدای حق طلبانه کارگران را در گلو خفه ساخته و حتی مبارزات آنها را بخاک و خون بکشد. در چنین شرایطی خاموش نشستن، دم نکشیدن و تنها نظاره گر این اوضاع و احوال بودن راه تنها بعنوان حساب مبارزه شوراهای در راه حقوق شورایی و دفاع از دستاوردهای انقلاب دانست بلکه باید آنرا بحساب همگامی با ضد انقلاب و کمک به نابودی دستاوردهای انقلاب گذاشت. بد نیست جریان را از زبان خود کارکنان بشنوید:

شوراهای پالایشگاه اصفهان و شیراز ضمن توضیح اینکه " چرا کارمندان پالایشگاه ها دست به اعتصاب غذا میزنند " میبویسد: حقوق شورایی کارکنان با سایر تمامای محدود می شوند، شوراهای را با هزاران مارک و برچسب از حیثه وظایفشان که دفاع از حقوق کارکنان و نظارت بر تولید و توزیع است دور می کنند. نمایندگان جنگ زده را در رابطه با احقاق حقوق جنگ زدگان صنعت نفت در ما شهروندان را سر روز ارت نفت دستگیر میکنند و حتی دوش از آنان را به حیسر اید محکوم میکنند. تورم و گرانی سرسام آور از یک طرف و کم کردن حقوق ها از طرف دیگر فشار را بر دوش حقوق بگیران که ما هم جزئی از آنان هستیم، افزون کرده است و بسیاری مسائل دیگر که در نامه ای به کفیل وزارت نفت و تمام ارگانهای مملکتی ارسال داشته ایم که همه مبین گوشه های از مشکلات و دردهای ماست. دیگر چگونه میتوان سکوت کرد و دیگران را نیز به سکوت دعوت کرد؟ دیگر چگونه میتوان جواری با موجود در پالایشگاهها را نادیده گرفت؟ دیگر چگونه میتوان پذیرفت که حقوق مکتوب از انقلاب که همانا حق حاکمیت بر سر نوشت کارکنان میباشد، را به آسانی از دست

بدهیم. راستی چگونه میتوان با این فشار و تحریک و تشویش با این همه حرکات ضد کارگری، ضد شورایی، ضد مکرراتیک و در مجموع ضد انقلابی مقابله نکرد؟ آیا شوراهای تهران و تبریز، راهی جز حرکت یکپارچه و متحد، راهی جز همکاری و همگامی با شوراهای دیگر و راهی جز اقدامات عملی و استفاده از نیروی سر نوشت ساز - کارگران در نظر دارند؟

نتیجتاً آنچه از اجلاس یازدهم میتوان آموخت این است که هنوز ضرورت اتحاد عمل شوراهای سراسری را عمدتاً "پارهای شوراهای درگ نگزده اند. در شرایط حساس و سر نوشت ساز کنونی تمامی شوراهای، تمامی نمایندگان - انقلابی و تمامی کارکنان مبارز صنعت نفت میبایست در جهت تقویت شوراهای استحکام هر چه بیشتر آنها، پشتیبانان تصمیمات اجلاس های سراسری و عملی با ختن آنها بکوشند، میبایست، بصورت نقاط ضعف خود را بر طرف ساخته و بداندند که

زمان زمان حرکت است. شوراهای نمی توانستند نظاره گر مرگ خود و در نتیجه مرگ یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب باشند. امروزه انقلاب مصمم - ترو لوجوا نه تر از هر زمان دیگر کمربند نابودی این نهادها بسته است. اقدام همه جا نبه، یکپارچه و مصمم و متحد کارکنان صنعت نفت در حمایت از شوراهای انقلابی و اجرای تصمیمات آنها در مقابله با سرگود بگرا و رژیم جمهوری مسلماً مانع پیش روی خدا انقلاب خواهد شد.

عقب نشینی موقت

بپوشن های رژیم مقاومت می کند، نیروهای انقلابی در ایستادگی شرایط آبدیده تر میشوند و خود را برای رهبری مبارزات گسترده و پراکنده های آماده می کنند.

حزب جمهوری اسلامی با گسترش خشونت بمقام یک سیستم حکومتی، توهمات دموکراتیک توده ها را در هم می ریزد و اقتدار قانون جمهوری اسلامی را در نظر زحمتگشان بر هم میزند. روحیه انقلابی هنوز در توده ها در هم نشکسته است، عقب نشینی موقت کارگران مقدمه تعرض جدیدان خواهد شد. اقدام انقلابیون و وسیعیت رژیم تخم کینه و نفرت را نسبت به ارتجاع حاکم در دل توده ها کاشته است و بر اساس همین کینه و نفرت نهال تنومند مبارزه خلق علیه رژیم جمهوری اسلامی شکوفان خواهد شد. مقاومت انقلابیون و کارگران پیشرو در دادگاه های ضد انقلاب، مقاومت توده ها در کارخانه، مزرعه، کوی و برزن افشاء وسیع جنایات رژیم باعث اعتلای روحیه انقلابی کارگران و زحمتگشان خواهد گردید.

نهادان خلق در قلب بزرگ طبقه کارگران جای دارند و قاتلان آنها ازهم امروز توسط تاریخچه چهارمیخ کشیده شده اند.

وعدۀ انحلال ساواک، دعوت مردم به ساواکی شدن!

حمینی چه گفت؟ حمینی چه کرد؟

راهیما شیها، نظا هراته تحمنا و هسرا
مبارزه توده‌ای شکل گرفت، باندهای
سیاه و دستجات چماق دار به جان توده‌ها
افتادند و به ترور نیروهای انقلابی
پرداختند. خمینی که قبلاً "وعدۀ مسدود
تمام نهادهای فشار و اختناق از میان
خواهد رفت" اینک تمامی نهادهای
فشار، اختناق و سرکوب را تحت عنوان
"نهادهای انقلابی" و "ستونهای انقلاب"
تحت حمایت و پشتیبانی مستقیم خود
گرفت. آیت الله خمینی نه تنها ساواک
را منحل نکرد و ساواکیها را مجازات
نشود بلکه کار را به جانی رسانید که
اینک تمامی توده‌ها را به ساواکی شدن
فرا میخواند و میگوید: همه باید یک
سازمان اطلاعات باشند "آیت الله
خمینی که فتوای کشتن چماق داران را
میداد. چماق داران جدید را تحت نام
حزب الله در پناه خود گرفت و کشتار
خلق را "جنگ با کفار" نامید. آیت الله
خمینی که وعده میداد ساواک منحل
خواهد شد، نه تنها ساواکیها را عفو کرد
بلکه سازمان دهندگان ساواک اسلامی
و باندهای سیاه را نیز "بازار
خدمتگزاران خلق" نامید، بهشتی‌ها
و چمران‌ها را مورد حمایت خود قرار
داد.

توده‌ها که بپا خواسته بودند تا
دیگر زندانی سیاسی وجود نداشته باشد
از فردای قیام تا همدستگیرمترین
فرزندان خلق، فدائیان و مجاهدین و
سایر نیروهای انقلابی، بودند
توده‌ها که بپا خواسته بودند تا دیگر
کسی به جرم داشتن یک عقیده خاص به
زندانی نیفتد دیدند که چگونه افراد را به
جرم عقایدشان در رژیم جمهوری اسلامی
اخراج و تصفیه میکنند مورد ضرب و شتم
و دستگیری قرار میدهند و ترور میکنند
توده‌ها که برخاسته بودند، تا شکنجه را
تا بپایان نرسانند دیدند که چگونه رژیم
جمهوری اسلامی شکنجه را از سر گرفت
چگونه شلاق زدن، کابل زدن، ضرب و شتم
سوزاندن با سیگار و روغن، شکنجه دست و
پا، تجاوز و اعدام و... همه و همه بنام
اسلام، بدست مزدوران جمهوری اسلامی
بکار گرفته شد. و چگونه خمینی بر تاسی
این اعمال مهرتاشید و آواز "افتخار
جمهوری اسلامی" نامید.

خمینی حتی پس از بدست گیری
قدرت نیز جهت فریب توده‌ها سخنانی
طرح نمود و گفت "اسلام برای کسی که گناه
ندارد یک ساعت حسن قائل نیست آنها
هم که گناهکارند یک فحش نباید بدهند"
بدهند، یک سیلی نباید بدهند بزندان
(اطلاعات ۵۸/۲۳۰) اما توده‌هایی که
این سخنان را می شنود هر روزها میدهند
که چگونه در کوچه و خیابان انقلابیون
مورد شتم و ضرب و شتم قرار
می گیرند، چگونه افرادی علت نوشتن
شعار، پخش اعلامیه، فروش نشریه و یا
شرکت در تظاهرات، در کوچه و خیابان
کشتک می خورند، دستگیری می شوند و ترور
بگیرند در صفحه ۱۱

وا زسوی دیگر در قبال ساواک
ارگانهای سرکوب وعده و وعیدهای
بسیاری طرح کرد تا بروج مبارزات
توده‌ها سوار گردند. آیت الله خمینی
میگوید: "جامعۀ آینده ما جامعۀ آزادی خواهد
بود و همه نهادهای فشار و اختناق و
همچنین استعمار از میان خواهد رفت."
(مباحثه با مجله اشیکل آلمان - ۱۶
آبان ۵۷) و در جای دیگر میگوید: "سا
واک و تمامی سازمانهای امنیتی
را منحل خواهیم کرد تا آگاهی مردم و
مشارکت و نظارت همگانی آنها با
حکومت منتخب خودشان خودبزرگترین
ضمانت حفظ امنیت در جامعه می باشد."
(مباحثه با مجله المستقبل ۱۵/۱۵ آبان /
۵۷) و بدین طریق قبیل از رسیدن به قدرت
به توده‌ها وعده میدهد که تمامی نهادها
سرکوبی که سالها بر آنان ستم رانده اند
تا بخواهد منحل شود و ساواک نخواهد
داشت و دیگر تفتیش عقاید، سانسور
شکنجه، ترور و... از میان خواهد رفت.
خمینی در شرایطی که شاه درواپسین
لحظات حکومتش به سیخ چماق داران
میبرد از دوسوی دار بدین طریق
مبارزات توده‌ها را سرکوب نمایی
میدهد که "حق با توده‌هاست و اجاب
القتل میباشند و تمام مبارزان را باید کشت
زیرا که مفسد فی الارض هستند و سبب
کشتار روحشانه میشوند." (بنام آیت الله
خمینی ۵/۵ آبان ۵۷) اما پس از کسب
قدرت، که فقط و فقط بپایانک به نیروی
توده‌ها انجام گرفت دیدیم که چگونه
تمامی این وعده‌ها فراموش شد.

رژیم جمهوری اسلامی نهادهای
سرکوبگر آریا مهری را حفظ کرد و فقط به
آنها پوشش اسلامی پوشانید. ساواک را
به نام ساواک با سازمانی کرد. تعداد
معدودی از ساواکی‌ها که بر اثر نفرت و
کینه خلق فرار دادند آنان از مجازات
ممکن نبودند. شدند، تعداد دیگری
نیز به زندان‌های کوتاه مدت و یا
جریمه نقدی محکوم شدند اما بقیه
آزادانه به توسط خودادامه دادند.
سپس با فرمان عفو خمینی ساواکیهای
زندانی نیز آزاد شدند. رژیم جمهوری
اسلامی از همان ابتدا در جهت بکارگیری
و بازسازی نهادهای سرکوبگر پیش
رفت و در راه از اغشای لیست اسامی
ساواکیها، اعضای "سیا" خودداری کرد.

با لایحه هم‌پا بکارگیری ساواکیها،
ساواک را تشکیل داد و بر ضد توده‌ها و
نیروهای انقلابی بکار گرفت، بار دیگر
تفتیش عقاید و سانسور به جا می‌آید
شد. کنترل تلفن‌ها و نامه‌ها از سر گرفته
شد. جاسوسی و جاسوس پروری ایستادی
تازه یافت و وزارت ارشاد اسلامی جای
اداره سانسور را گرفت و با یاری دادسراهای
انقلاب به سانسور، توقیف و بیگسرد
نشریات مترقی پرداخت. تیم‌های کشتی
و تفتیش و مراقبت سازمان داده شد. سیاه و کیمیه‌ها
بسرعت به نهادهای ضد خلقی و در خدمت
سرکوب توده‌ها بدل شدند. ضرب و شتم و
ترور و کشتار از سر گرفته شد. بیورش به

یکی از مواردی که آیت الله خمینی
در مورد آن وعده‌های بسیاری داد، انحلال
دستگاههای اختناق، سانسور، سرکوب
و بخصوص ساواک و زندانها بود. توده‌های
خلق سالیان سال در زیر ظلم و قشار
ساواک قرار داشتند. انقلابیون کشتار
میشدند و در جهت برقراری جوار عساق و
خفقان ساواک و سایر دستگاههای سرکوب
هر شیوه غیر انسانی را بکار می‌گرفتند.
کوچکترین لب کشیدن به اعتراض در پی
خود زندان و شکنجه و حتی اعدام را داشت
با سانسور سیاه بر مطبوعات و روزنامه‌های
انگلیسی، شکنجه‌های حیوانی ساواک
کیمیه و نفرتی عظیم در دل توده‌ها ایجاد
کرده بود. زندانها و سیاه‌چالهای رژیم
شاه در دل خود بهترین فرزندان خلق
را بعنوان "خوابگاه زندانی" و...
به زنجیر کشیده بودند. ارتش ضد خلقی شاه
ارگان سرکوب خلقهای منطقه بود. هر
روزه در کوچه و خیابان کشتار میکرد و در
سالهای آخر حکومت شکنج رژیم پهلوی
نقش عمده‌ای در سرکوب خلق ایفا نمود.
توده‌ها که کشتارهای وحشیانه ارتش در
تبریز، قم، اصفهان، نجف آباد، شیراز
مشهد، کرمانشا و تمامی شهرها را شاهد
بودند، توده‌ها که در تجارب عملی خود
ما هیبت ضد خلقی ارتش را بهیچای خوس
هزاران نفر لمس کرده بودند، توده‌ها
که هر روز شاهد کشتارهای و ۱۴۰۰۰ بان‌ها
بودند و بی‌اختیار ارتش ضد خلقی را
تا بود کشتند، فراتر از توده‌ها مزدور آمریکائی
را به نیروی خلقی که می‌کشد. توده‌ها
بپا خواستند تا تلافی‌ها، ظهیر نژادها،
مدنی‌ها، شاکرها و... را نابود کنند،
ساخت آمریکا و ضد خلقی ارتش را در
هم ریختن و ارتش خود را بپا سازند.

توده‌ها برخاستند ساواک و در پی
آن تمامی دستگاههای اعمال سرکوب
و اختناق را نابود کنند، توده‌ها بپا
خواستند تا دیگر در جامعه تفتیش عقاید
و سانسور برقرار نگردد، بپا خواستند تا
دیگر کنترل تلفن، بازرسی نامه، تفتیش
و مراقبت و... اعمال نشود. بپایان
خواستند که دیگر کسی به جرم عقاید خود
زندانی نشود، زندانیان سیاسی آزاد
گردند و شکنجه و ترور از میان برود
توده‌ها بپا خواستند تا بساط ارگانهای
سرکوبگر خلق را درهم نوردند.
آیت الله خمینی که بخوبی به
این خاستهای توده‌ها واقف بود در
مقابل آن دوشیوه را برگزید. از یکسو
با طرح شعار "انقلابی" ارتش بسرا در
ماست به مبارزات توده‌ها بر ضد
ارگان سرکوبگرها رزد، در نهایت نیز
با فتوای خود قیام خلق را که میرفت
تا ارتش و ساخت ضد خلقی آنرا نابود
سازد متوقف ساخت و سپس نیز رژیم
جمهوری اسلامی به رهبری آیت الله
خمینی با حفظ ساخت ارتش و بکارگیری
فرماندهان مزدور شاه با سرکوب
شوراهای پرسنل انقلابی، مزدوران به
بازسازی سریع این ارگان ضد خلقی
پرداخت.

ترور، شکنجه، زندان، حزب‌ها، ترکان، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، شعار زحمتکشان

رجائی

مهره‌های جهت پیشبرد سیاستهای ضد خلقی حزب جمهوری اسلامی

جمهوری از سوی حزب جمهوری اسلامی بشناساند ولی از سوی دیگران چنانچه چهره خود را نزد توده‌ها نمایان ساخت و چنان منفور توده‌ها گشت که به بقیمن نمیتوان گفت حزب تنها از طریق توسل به تقلباتی بزرگ، از طریق توسل به تهدید و آزار، از طریق کشاندن مردم به پای صندوق بزرور سر نیزه و اخراج دستگیری و در نهایت از طریق ابداع دروغی بزرگ در تاریخ آراء خواهد توانست آورا به ریاست جمهوری شتاب نماید.

خمینی چه گفت؟ بقیه از صفحه ۱۰

خمینی چه کرد؟

وعده انحلال ساواک...

می کردند. توده‌ها که خود می بینند چگونه دستگیرشدگان مورد شدیدترین ضرب و شتم و اذیت قرار دارند مسلماً به ما هیت فریبکاران نه سخنان خمینی پی می برند. آیت الله خمینی میگوید: "به تمام اعضاء کمیته‌ها و زندانها کسم میکنم که با زندانیان هرگز با شنبه طرز انسانی و اسلامی رفتار نکنند و از آزار و مضیقه و رفتار خشن و گفتار ناهنجار خودداری کنند که در اسلام و حکومت عدل اسلامی این امور ممنوع و محکوم است" اما توده‌ها دیگر بیخوبی به شکنجه‌های سیو عافه مزدوران جمهوری اسلامی پی برده‌اند. توده‌ها بیخوبی میداندند که چگونه ما آیت الله قصاب‌ها در خدمت رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند. چگونه مزدورانی چون لاجوردی، زندانیان را محروب و محروم میکنند چگونه تو ما چها و مختوم‌ها و جهان‌ها توسط رژیم شکنجه و ترور شده‌اند چگونه صنم قریبی‌ها در جلوی چشم مردم ترور شده‌اند. توده‌ها عکس جسد فدا شده شهید سعید سلطانی و آزار ضرب و شتم را بر صورت او دیده‌اند و میداندند که چگونه مزدوران رژیم او را مورد شدیدترین شکنجه‌ها قرار داده‌اند و چگونه او را به جرم "سوا" سابقه یعنی مبارزه با رژیم شاه یعنی تحمل شکنجه و زندانهای آریا مهری یعنی آزبای تشنه تشنه و پیمودن راه خلق، اعدام کرده‌اند. توده‌ها هر بار با دیدن این وحشیگری‌ها بیشتر و بیشتر به ما هیت فریبکاران تشنه "سران و زهربران رژیم بی می برند. توده‌ها در تجارب عملی خود در میابند که رژیم جمهوری اسلامی در خدمت سرمایه و سرمایه‌داری است. آنست که سرعت دریا فته‌اند که فریب خورده‌اند هیچیک از خواستهایشان برآورده نشده است. توده‌ها در میابند که خمینی تمام وعده و وعده‌های خود را نقض کرده است و با بدست گیری قدرت در خدمت سرمایه‌داران قرار گرفته است.

بازرگان و چیزی بجز ترمیم سریع سیستم وابسته نبود. سیاستهای دولت رجائی برای توده‌ها چیزی بجز تشدید گرانسی، فقر و بیگاری، بجز تشدید سرکوب و خفقان و ترور و بجز جنگ و آوارگی و خانه خرابی بیارنیا و درود و عرض برای امیرالیهتها فواید و مزایای بسیاری را در برداشت. دولت رجائی مبتکر حل مفتضحاته مساله گروگانها بود. دولت رجائی بسا وجود فربا ده‌ای عوام فریبانه نمود امیرالیهتیش تمام می سعی خود را در جهت حل مساله گروگانها بسودا امیرالیهتیسم کار برد و الحق که در این مورد بسیار موفق بود و بدین طریق چراغ سبز بسیار روشنی را به امیرالیهتیشها نشان داد. دولت رجائی مبتکر عقد قرار ده‌ای سنگین اقتصادی با امیرالیهتیشها گشت و از آن جمله عقد قرار ده‌ای اسارتی چون قرار دادنا لیبوت، قرار دادهای چند میلیار دنی با کمپانیهای اروپائی، میتسوئی ژاپن و... برداخت. دولت رجائی زمینه ساز عدی جهت کلاهبرداری های کلان و دزدیهای افسانه‌ای از جمله دزدی ۵۶ میلیون دلاری معامله اسلحه و کلاهبرداری ۴۸۰ میلیون فرانکی معامله شکر فراهم ساخت (و اینها فقط موارد معدودی از بیشمار مواردی است که افشا شده است). دولت رجائی، مبتکر تعدید و عقد قرار دادهای آریا مهری چون قرار داد مجتمع پتروشیمی بندر خمینی با ژاپن و قرار دادهای بسیاری دیگری با امیرالیهتیشها اروپائی گشت و با آخرین در زمان دولت رجائی سیاستهای ضد خلقی اقتصادی این دولت باعث کاهش بی سابقه صادرات و افزایش بی سابقه صادرات کالاها امیرالیهتیش گشت. صورتی که اقلام وارداتی در ۱۱ ماهه اول سال ۵۹ نسبت به مدت مشابه در سال ۵۸ حدود ۱۷٪ افزایش یافت. سیاستهای ضد خلقی دولت رجائی بیش از پیش به وخامت اوضاع زندگی توده‌ها افزود. دولت رجائی طمع سرخ افزایش مالیاتها را بصورتی که بار کمزگن آن بر توده‌های زحمتکش وارد آید را شده‌اند و همچنین با سیاستهای خود به رشد روز افزون نرخ تورم و دامن زدن بیش از پیش به گرانسی و فقیسرو فلاکت توده‌ها را باعث شد. تنها لایحه بودجه ارائه شده از سوی دولت رجائی بیخوبی بیانگوسر سیاستهای ضد خلقی دولت است. در این بودجه با لاترین اقدام به خرید تسلیحات نظامی از کشورهای امیرالیهتیشی اختصاص دارد و بیشترین تکای آن نیز به صورت نفیته همپین کشورها قرار دارد. و بدین طریق بودجه‌ای امیرالیهتیش پیسنده تشدید کننده بحران اقتصادی و فقر و فلاکت توده‌هاست. بهرور رجائی با پیشبرد این سیاستهای ضد خلقی در مدتی کوتاه، از سوئی توانست خود را بعنوان مهره‌ای مناسب جهت کاندیداتوری ریاست

اینکه پیشا پیش میتوان حدس زد که حزب جمهوری اسلامی فمداد رجائی را بعنوان رئیس جمهور آینده از صندوقها بیرون بیاورد مدتی است که تمام مسی بلندگروهای حزبی بکار افتاده‌اند. پس از مقادیر زیادی زمینه سازی های مفتضحاته، پس از اینکه حزب جمهوری اسلامی در هر مراسمی در قطعنامه‌ها می که به اسم مردم صادر نمود خواهستار کاندیداتوری رجائی شد. پس از آنکه در نمازهای جمعه و در راه دیوتلو نیز بیسون و مطبوعات حزبی از رجائی "خواسته شد" که خود را کاندید کند. رجائی از سوی حزب جمهوری اسلامی و ضامتم آن از جمله "طالب حوزه علمیه قم، روحانیت مبارزه دفتر تحکیم وحدت، مجاهدین انقلاب اسلامی و... کاندیدای ریاست جمهوری گشت. و آقای بهزاد نسوی نیز بیست پیشگویی خود که مردم این دفعه حتی پیش از دفعه قبل در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می کنند (تقل به معنی از ماحیه مطبوعاتی بهزاد نسوی) نشان داد که حزب جمهوری فمداد را در بهر صورت ممکن بزور تقلب، تهدید و آزار عتاب و تبلیغات، رجائی را با آزاری "ناپاسل توجه و چشمگیر" رئیس جمهور کند.

اینکه حزب جمهوری اسلامی رجائی را کاندیدای خود کرده است چیز عجیبی نیست. رجائی در مدت اشغال پست های حکومتی بیخوبی نشان داد که از سوئی بخوبی قادر است سیاستهای ضد خلقی حزب جمهوری اسلامی را در موارد محوله پیش برد و حتی در موارد معینی چون ناسور، نفتیش عقاید و سرکوب سنگ تمام بگذارد و از سوی دیگر مهره سربراه و مطبعی است که او را مر حزبی را بخوبی به آرد می آورد. اما این مساله که حزب جمهوری اسلامی فمداد از دجون سا بر موارد رجائی را مورد علاقه و حمایت توده‌ها جا بزند، ممکک بنظر می رسد چون در این مدت توده‌ها چهره رجائی را بخوبی شناخته‌اند.

رجائی کسی است که در پیست وزارت آموزش و پرورش بشکلی وقیحانه سیاست نفتیش عقاید، تصفیه و اخراج به پیش برد. صدها معلم مبارز را اخراج و "تصفیه" کرد. سیستم جاسوسی وسیعی را توسط اجیرشدگان آموزش و پرورش در آموزش و پرورش حاکم گردانید. نفتیش عقاید را در مدارس برقرار کرد. معلمینی را که از اقلیتهای مذهبی بودند به بهانه‌های مختلف کنار نهاد و حتی دانشجویان تشریبی معلم را که از اقلیت های مذهبی بودند اخراج کرد. و حتی کار را به جاسوسانید که در مقابل با نیروهای مترقی و جهت جلوگیری از رشد آگاهی دانش آموزان دست به کار انحلال آموزش و پرورش کردستان و لرستان شد.

سیاستهای دولت رجائی بر عکس ظاهر عوام فریبانه‌ای که به آندا دند چیزی بجز تداوم سیاستهای دولتی

مبارزه ضد امیرالیهتیشی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کنیم

با ردیگر انتخابات ریاست جمهوری فرامیرسد، رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی این انتخابات را برگزار میکند که موج سرکوب، ترور و اعدامهای وحشیانه سراسر کشور را فرا گرفته است. رژیم در مقابل مبارزات اوچگیرنده توده ها سرکوب خود را شدت بخشیده است. شوراها را کفرگری تحت شدیدترین فشارها قرار گرفته اند، انجمن های اسلامی در کارخانجات بیداد میکنند، بسیاری از کارگران دستگیر شده اند، اخراج هرکارگر مبارزی را تهدید میکنند، هر تجمعی، اعتصاب و راهپیمایی با گلوله پاسخ داده میشود. مبارزات دهقانان با یورش وحشیانه پاسداران مواجه است. خانه گردی، تفتیش بدنی درخیا با آنها امنیت مردم را از بین برده است. رژیم حملات وحشیانه خود را در کردستان شدت بخشیده است. هرا عترائی با گلوله پاسداران، کمیته های و سایر ارگانهای سرکوبگر و بیرو میشود یا تدهای سیاه حزب اللهی درخیا با آنها بیکه تازی میکنند. این انتخابات در شرایطی برگزار میشود که تمامی آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم با یسما شده است. نیروهای انقلابی هرروزه درخیا با آنها ترور میشوند. موج اعدامهای دیوانه وار رژیم شدت یافته است. جوانان ۱۴ تا ۱۵ ساله بیکه جرم شرکت در تظاهرات اعدام میشوند، زندانها از زندانیان سیاسی پر شده است و رژیم استاد یومها را به زندان بدل کرده، تمامی نشریات انقلابی در توقیفند و راديو تلویزیون در قبضه رژیم قرار دارد. این انتخابات در شرایطی برگزار میشود که فقر و فلاکت زندگی توده های ستمکش را فرا گرفته است. گرانی بیداد میکند، نه تنها بیش از سه میلیون بیکار و ناخواسته ها پیشان در سخت ترین شرایط زندگی میکنند بلکه کارگران شاغل را نیز غول بیکاری تهدید میکند. بر اثر جنگ ارتعاشی دولتهای ایران و عراق بیش از دو میلیون آواره جنگی در سخت ترین شرایط با مرگ و زندگی دست و پنجه نرم میکنند، صنایع بسیاری نابود شده و هزاران خانواده از مرگ فرزندان شان داغدارند. در چنین شرایطی است که حزب جمهوری اسلامی قصد دارد برای تشبیت خود انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری را برگزار کند. مردم را بفریبند و به پای صندوقها بکشاند و به قبضه حکومت نکلی. قانوتی و مشروع بدهد.

هموطنان! کارگران و زحمتکشان!
انتخابات گذشته را بخاطر بیاد و بید رژیم موجود یک ذره برای مردم اهمیتی نمیدهد. ولایت فقیه رای خودش را با لاترا ز همه مردم میدان رژیم در گذشته هر بار وعده داده که پس از انتخابات با تشکیل نهادهای حکومتی مشکلات توده ها حل خواهد شد. اما توده ها در تبارب عملی خود دیدند که نه تنها با تشبیت رژیم مشکلات زندگی توده ها حل نشد بلکه روز بروز نیز بر شدت آن افزوده گشت. توده ها هر بار به این امید به پای صندوقها رفتند که پس از انتخابات گران می شود، مشکل بیکاری و مسکن حل شود. آزادیهای سیاسی تا مین گوده و... اما اینک دیگر تبارب عملی به توده ها میا موزد که رژیم جمهوری اسلامی به خواسته های آنان پاسخ نمیدهد. نه تنها مشکلات را حل نخواهد کرد بلکه روز به روز بر شدت آن نیز خواهد افزود. اینک روشی است که بقای رژیم جمهوری اسلامی، یعنی تشدید فقر، تشدید گران، تشدید بیکاری، تشدید سرکوب، اختناق، ترور، شکنجه و تشدید وابستگی، به امپریالیسم، مردم مبارز!

حزب جمهوری اسلامی میخواهد برای قانوتی کردن قبضه حاکمیت، رجاتی، رار شیس جمهوری کند، رجاتی کسی است که در مدت نخست وزیرش نزدیکی به امپریالیسم را با سرعت هر چه تمام تر به پیش برد. گروگانها را به آن شکل مفتضحا نه آزاد کرد، قرار داد های سنگین تالیدوت، کرب و میتسوئی را با امپریالیستها بست. رجاتی کسی است که دولتش مالیاتها را - آنهم فقط در مورد توده های زحمتکش - اغزایش داد و حمایت بیدریغ ارتعاشی و سرما به داران بازار را پیشه کرد، رجاتی کسی است که سیاستهای دولتش جز فقر و روزافزون، گران، کمزگی و آوارگی و سرکوب چیزی برای توده ها بیار نیار نیار آورده است. اما مسلم است که حزب جمهوری اسلامی در راه انتخاب آواز هر حیل و نیرنگی استفاده خواهد کرد. حزب جمهوری اسلامی انتخابات را به روز ۲ مرداد، درست یک روز بعد از ۲۱ ماه رمضان انداخته است تا از احساسات مذهبی توده ها حداکثر سوء استفاده را بکند، حزب در این راه مسلما "تقلبات وسیعی خواهد کرد، تبلیغات دروغین بسیاری را با توسل به هزاران حیل و نیرنگ کا نندیدای مورد نظر خود را با آراء قلابی از صندوق در خواهد آورد. اما اینبار تمامی این فریبها و نیرنگها نمیتوانند توده ها را به پای صندوق بکشند، بلکه خود باعث افشای بیش از پیش رژیم جمهوری اسلامی خواهد شد.

مردم مبارز ایران، کارگران، دهقانان، سربازان، کارمندان، روشنفکران، زحمتکشان!
به پای صندوقهای رای نروید. انتخابات رژیم جمهوری اسلامی را تحریم کنید. مبارزات اوچگیرنده خلق و ناراضیاتی فرایینده مردم نشان میدهند که توده ها خواستار این رژیم نیستند. با تحریم انتخابات کام دیگری در جهت مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی، درجهت نابودی حزب جمهوری اسلامی و ایجاد مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی که رژیم مورد خواست توده ها را برقرار سازد بردارید.
در این شرایط شرکت در انتخابات یعنی تشبیت جمهوری اسلامی، یعنی صحنه شدن بر سیاستهای فلاکت آور رژیم، یعنی صحنه شدن بر سرکوب، کشتار، ترور، شکنجه، اختناق و ساسور، در این شرایط شرکت در انتخابات یعنی پشت کردن به مبارزات خلق. اینک باید مبارزات را شدت بخشید، باید به ایجا دو گسترش شوراها پرداخت، باید پندنه های مردمی چون کمیته های محلی را سازمان داد، باید تمامی کوشش خود را در جهت تقویت شوراها بکار گرفت و از این طریق مقدمات ایجاد مجلس مؤسسان را فراهم کرد.

تحریم انتخابات، ادامه انقلاب

مرکز حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراها، انقلابی پیش سوی تشکیل مجلس موسسان
زابد باد امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه دخیلیش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۵ تیرماه ۱۳۶۰



علیه دستگیری و اعدام انقلابیون پا خیزید!

هموطنان مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی با اعدام مدهاتن از بهترین فرزندان خلق و دستگیری هزاران انقلابی و مبارز در تلاش است که حکومت ترور و اختناق را بر میهن ما حاکم گرداند.
هم اکنون جان مدهاتن زندانی را خطر مرگ و تیرباران شهید میکنند. با اعتراض گسوده خود علیه دستگیری و اعدام انقلابیون و پشتیبانی از اعتراضاتی که علیه جنایات رژیم صورت میگیرد، متحداً در برابر سیاستهای سرکوبگرانه و جناحیکارانه رژیم بمقا بله بسازیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۵ تیرماه ۱۳۶۰

آوارگان جنگی تحت کنترل شدید پلیسی و زندگی مشقت بار بصورت اسرای جنگی درآمده اند

اعتراضی فسرآوانی دارند، این چنین تحت کنترل پلیسی قرار گیرند. تجربه یکسال گذشته جنگ ایران و عراق و حرکت های اعتراضی این هموطنان محروم و زحمتکش ما که در مواردی به درگیری با ما توریین و پاسداران هم کشیده است هم برای رژیم و هم برای نیروهای انقلابی با اهمیت بوده است. رژیم که با این مشکل بزرگ روبروست بجای پا سخگوشی به نیازهای هموطنان جنگ زده بنابینه ما هیت ضد مردمی تنها در فکرا عمل با این وسیله جلوی موج ناراضی و تبدیل آن به یک جنبش وسیع را بگیرد. اما در مقابل، عناصر آگاه در میان هموطنان آواره جنگی و سازمانهای انقلابی تنها با مقابله اصولی و اناسی با این شیوه ها، آگاه سازی توده ها و کمک به تشکل های آوارگان در اشکال شورا های آوارگان و سازماندهی آنان است که میتوانند در جهت تامین خواسته های این هموطنان و حل انقلابی مسائل آنان حرکت کنند. تنها با مبارزه ای متشکل و گسترده میتوان مسائل و مشکلات دو میلیون هموطن آواره مناطق جنگ زده را بشکل انقلابی حل کرد.

های پیشاهنگ قطع کرده تا گرفتاریها و مشکلات و مسائل آنان بدون جامعه کشیده نشود. چرا که می ترسند وقتی محرومیت با عنصر آگاهی پیوند بخورد، مبارزه ای آگاهانه و مصممانه به پیش برده خواهد شد. زیرا رژیم و خشت دار در کسب جنگ زدگان با کمک نیروهای مترقی متشکل شده و در برابر حرکات و اعمال ضد مردمی، حاکمیت به مقابله برخیزند.

و هموطنان آوارگان جنگی
در این مناطق، هموطنان آواره جنگی و هموطنان محروم و زحمتکش ما که در مواردی به درگیری با ما توریین و پاسداران هم کشیده است هم برای رژیم و هم برای نیروهای انقلابی با اهمیت بوده است. رژیم که با این مشکل بزرگ روبروست بجای پا سخگوشی به نیازهای هموطنان جنگ زده بنابینه ما هیت ضد مردمی تنها در فکرا عمل با این وسیله جلوی موج ناراضی و تبدیل آن به یک جنبش وسیع را بگیرد. اما در مقابل، عناصر آگاه در میان هموطنان آواره جنگی و سازمانهای انقلابی تنها با مقابله اصولی و اناسی با این شیوه ها، آگاه سازی توده ها و کمک به تشکل های آوارگان در اشکال شورا های آوارگان و سازماندهی آنان است که میتوانند در جهت تامین خواسته های این هموطنان و حل انقلابی مسائل آنان حرکت کنند. تنها با مبارزه ای متشکل و گسترده میتوان مسائل و مشکلات دو میلیون هموطن آواره مناطق جنگ زده را بشکل انقلابی حل کرد.

بیش از دو میلیون آواره جنگی که قربانی جنگ ارتجاعی و سیاستهای ضد مردمی حاکمیت شده اند در گوشه و کنسار کشور در سخت ترین شرایط بسر میبرند. برخوردار مسئولین منگونی با این هموطنان، که خانه و گاشته شان را از دست داده اند بقدری غیر انسانی است که آنان مرگ را بران زندگی خفت بار تر جیح میدهند. مسئولین اردوگاها و واحدهای با صلاح امداد و حمایت جنگ زدگان از یکطرف با تشنگ نظریهای خاص خود و عدم توجه به احتیاجات رفاهی آنها را شدیداً تحت فشار قرار میدهند و از طرف دیگر برای جلوگیری از انعکاس مسائل و مشکلاتشان و سرکوب هرگونه اعتراض آنها، با هموطنان آواره مثل یک اسیر جنگی رفتار کرده و تمام حرکات آنان را تحت کنترل شدید پلیسی قرار میدهند. بطور نمونه برگ تعهدی را که هنگام تشکیل پرونده برای اسکان جنگ زدگان در قزوین از سرپرست خانواده اذمی کشند و در تمام مناطق ایران مشابه آن وجود دارد مورد بررسی قرار میدهم تا روشن شود هموطنان آواره ما چگونه حمایت میشود؟ برگ تعهد "یک مقدمه دار دکمه در آن گفته شده: "اینجا تب... ضمن تقدیر از زحمات و مهمان نوازی های...! شرعاً و قانوناً مواد زیر را تعهد نموده و به آن عمل خواهد کرد." و در آخر از سرپرست خانواده تعهد گرفته میشود که: "در صورت نقض هر یک از مواد فوق در اسرع وقت ساختمان را تخلیه نمایم و او اجده چگونه تعهد و مسئولیتی نسبت به ما نخواهد داشت." تصور کنید یک خانواده جنگ زده خروستانی که خانه و گاشته اش را از دست داده و با تحمل هزاران مصیبت به قزوین آمده تا سرپناهی بگیرد، در این شرایط روحی مقابل او برگ تعهدی میگذاردند و او را میخواستند که از زحمات نکشیده و مهمانی داده شده - قدرانی کند و او با امضای این تعهدنا مه هر آن در معرض خطر اخراج از ساختمان باشد. اگر قبلاً کارش به زندان و اعدام نکند، در بند ۲ تعهدنا مه آمده است: "در ساختمانها هیچگونه عملی که جنبه اختلال و تحریک داشته باشد مرتکب نشوم" معلوم است که "اختلال و تحریک" در قاموس زعمای جمهوری اسلامی بجه مفهوم است. هر اقدامی که در جهت احقاق حقوق و خواسته های آوارگان جنگی باشد از دید عوام مل رژیم "اختلال و تحریک" تلقی خواهد شد. هم چنین آنها برای آنکه میداند گروههای انقلابی و در خدمت خلق در دادن آگاهی و آوارگان و تشکل آنان نقش داشته اند با تنظیم بند ۳ خواسته اند جنگ زدگان را از تماس با این نیروها بنترسانند و وقتی نوشته اند: "از تماس با گروهکهای منحرف که سعی در توطئه دارند پرهیز نمائید" بدین ترتیب می بینیم که مسئولین ما قیبت اندیشی خواسته اند ارتباط این محرومان و زحمتکشان را با جامعه و نیرو -

در بند ۴ تعهدنا مه نوشته اند: "با تخمین خود را پیش از پنج روز ترک نکنم و در صورت لزوم با اجازه واحد جنگی با این جزا قاتل اجباری و امارت جنگی مفهومی دارد؟ این جزیه معنسی کنترل و مراقبت پلیسی است؟ آنگاه می به سه بند ۵ تعهدنا مه حاکمی. از اینست که رژیم و "ولا" تا چه اندازه از تشکل آوارگان و اعتراضات سازمان یافته و خشت دار و نا شناس "قدرت" ارتباط آنها با نیروهای انقلابی میترسد. دلایلش واضح است، زمینه های ناراضی و بالنتیجه انفجار در بین آوارگان جنگی زده بقدری زیاد است که رژیم از تشکل گیری حرکات اعتراضی وحشت دارد. اینان که قربانی سیاستهای فدخلقی دودولت ایران و عراق شده اند بدون این که خود کوچکترین نقشی در این مسئله داشته باشند خانه و گاشته، کار و زندگی و چه بسا سرپرست خود را از دست داده و آواره شهرها شده اند. دولت بجای آنکه از آنها حمایت کند بمراتب بدتر از اسرای جنگی با آنها رفتار می کند. آنها از نظر مسکن و سرپناه در مضیقه هستند، از نظر وسایل زندگی در وضع اسف باری بسر میبرند و از نظر تامین مخارج زندگی در وضع فلاکت باری قرار داشته و اغلب با انسان خالی سدرج میگذرند. در چنین وضعی بدیهی است که این هموطنان که دارای ناراضی شدید بوده و برای تامین حداقل زندگی بخور و نمیر و سرپناه که حق ابتدائیشان است زمینه های -

لغو امتحانات بخاطر بزرگداشت شهدا

عده ای از دانش آموزان دبیرستان فارابی اشترنجان روز دوم تیر برای بزرگداشت فدائی شهید سید سلطا نهپور یک دقیقه سکوت کردند. یکی از دانش آموزانی که برای امتحان در جلسه حاضر شده بود قصد داشت متنی را در رابطه با محکوم کردن اعدام های اخیر و خصوم اعدام تا عرو و نویسنده انقلابی سید سلطا نهپور بخواند تا امتحانات مانع او میشود ولی دانش آموز دیگری با لای صدلسی میرو و متنی تهیه شده را می خواند و برای بزرگداشت شهدا، یک دقیقه سکوت اعلام می کند. بعد از این دانش آموزان به پاسخ دادن به سئوالات مشغول میشوند تا طرا متحانات با آنها نه جوشی سمی می کنند تا دانش آموزان را از جلسه اخراج کند، و نیز میتوان اعتراض به رفتار ناظر، از جلسه خارج می شود، دانش آموزان دیگر نیز در اتحاد با همکلاس خود، از جلسه امتحان خارج میشوند گویا دست اندرکاران آموزش قصد دارند امتحانات را بدون در نظر گرفتن کمیت دانش آموزان لغو کنند.

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند، دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند



با انقلاب بورژوازی ۱۷۸۹ فرانسه،
عمر نوینی در تاریخ ننگا مل بشریت
آغاز شد. در طول این عمر تاریخی که تا
کنون پاریس ۱۸۷۱ بطول آنجا میدبطفه
بورژوازی بمنوان طبقه ای انقلابی
رسالت نایب بودی نظام پوسیده و کهنه
نشودالی و ایجاب نظام اقتصادی و اجتماعی
نوپین را بدوش داشت .

رشد آزادوسریع سرمایه داری نیاز به آن
داشت که آثار و عوارض اجتماعی و سیاسی
نظم کهنه بطور قطعی محو و نابود شود. این
خود از طریق یک سلسله اصلاحات دمکراتیک
اجتماعی و اقتصادی نمیتوانست عملی
گردد .
آزادی سیاسی "تشاری بوده که بر تارک -
اصلاحات فوق میدرخشید. بورژوازی تحقق
این شمار را سرلوحه اصلاحات خود قرار داده
بود. او یک شیوه انتخاباتی حکومتی
برقرار کرد تا بتواند اولاً تمرکز سیاسی
ایجاد کرده و برخلاف نظام فئودالی یک
ملت واحد، حکومت واحد، قانونگزاری -
واحد، منافع ملی طبقاتی واحد و مرزهای
گمرکی واحد (ما رکن وانگلس، مائیفیت
کمونیکست) بوجود آورد. ثانیاً از طریق
این شیوه حکومتی آزادی سیاسی را تائیم
و حفظ آنرا تضمین نماید. او در قسب
شیوه فوق و بمنوان عالی ترین ارگان
حکومتی پارلمان را قرار داد. در این
مجلس نمایندگان طبقات مختلف -
خودنده میشدند و طبقه تاسیس نظم نوین
را بر عهده گرفتند. از این لحاظ نام -
مجلس مؤسسان خوانده شد. بر این اساس
است که لنین مجلس مؤسسان را نهادی
بورژوازی - دمکراتیک محسوب میکند: "در
جمهوری بورژوازی، مجلس مؤسسان عالی
- ترین شکل دموکراتیک است. (لنین)
تزارهای مربوط به مجلس مؤسسان -
منتخب آثار - صفحه ۵۷۱).

انقلاب بورژوازی و آزادی سیاسی
برای پرولتاریای اندازمه مفید است
زیرا او برای رهایی خود از قید سرمایه
و در نتیجه رهایی تمام زحمتکشان از یوغ
استعمار، میبایست قبل از هر چیز خود را
متشکل سازد. برای این کار به آزادی -
تجمع، بیان، مطبوعات... بطور کلی
آزادی سیاسی احتیاج دارد.

از طرف بورژوازی که مرگ خود را در
رشد و تکامل شکل و آگاهی طبقاتی
پرولتاریا میبیند، علی رغم اینکه از نظر
تاریخی طی دورانی بمنوان حامل آزادی
سیاسی شمار میاید، در برابر خواهش
فوق الذکر پرولتاریا میبایست، بهمین
خاطر لازم بدد که انقلاب بورژوازی در
رویدن نهادها و آثار نظم کهن بپیکرو
قائم نیاید. رژیم سلطنت و ارتش دژ
و غیره مورد انکار، بورژوازی قرار نمیکرد.
پارلمان (بخوان مجلس مؤسسان) از -
محتوای واقعی خود تهی شود و صرفاً
بصورت نهادی برای تضمین آزادی مبادله
و تجارت، آزادی استعمارکارگران و -
زحمتکشان درآید. بقول لنین: تسخیر
بورژوازی در اینست که اطلاعات لازم یک
درجهت دموکراسی بورژوازی بعمل
میاید، کندتر، تدریجی تر، با احتیاط
سست تر و از طریق فرم یافته از طریق
انقلاب) (لنین) - دو تاکتیک سوئیا
دموکراسی

از این دوره به بعد بورژوازی به طبقه
- ای ارتجاعی تبدیل میشود و طبقه
تاریخی استقرار آزادی سیاسی بردوش
پرولتاریا گذاشته میشود.
برخلاف بورژوازی، پرولتاریا
نمی تواند صرفاً "به صحبت از آزادی سیاسی
کتفا، نماینده بلکه برای تحقق و تضمین
آن معیارهای اساسی اتخاذ کرده اقدامات
عملی و پیگیرانه ای دست میزند. در وهله
اول باید تمام ارگانهای که تا فوس
آزادی سیاسی برای کارگران و زحمتکشان

پاسخ به سئوالان مجلس مؤسسان چیست؟

است را لطیف کند. این کاربردن یک
سلسله دمگرونی های اجتماعی و سیاسی
ریشه دار تا ممکن است. تحقق کامل و -
قطعی این دمگرونی ها بر بستری بشرو
انقلاب بورژوازی - دموکراتیک میسر
میکرد. بهمین دلیل پرولتاریا مجلس
مؤسسان واقعی را بصورت بهتر مجلس
مؤسسان دموکراتیک و انقلابی را قرار
میحواند. این مجلس هما نظر گس از
ناتش پیدا است، از دو خصمه برخوردار -
است:
اولاً "سایانگرا راده توده های مردم است
ثانیاً "دارای قدرت تاسیس میباشد .
بورژوازی ضد انقلابی تلاش میکند
که این دو خصمه را از مجلس بگیرد و آنرا
به ارگانی بدون محتوا و آلت دست خود
بدل سازد. از این رو گاهی نیست که به
مجلس نسبت مؤسسان "اطلاق شود و یسا
اینکه نمایندگان مردم در آن جمع شوند
بلکه باید شرایط مادی برای آنکه
این مجلس واقعا "دموکراتیک و انقلابی
باشد فراهم آید. این شرایط مادی -
کدامند؟

اول اینکه انتخابات این مجلس
باید بر اساس رای گیری عمومی، مستقیم
و مساوی و با رای مضمی صورت گیرد
و تمام مردم بدون هیچگونه امتیاز -
طبقاتی در آن شرکت داشته باشند. دوم
آنکه این مجلس باید از امکان و
توانائی مادی و عملی برای ایجاد
شالوده های نوین در جامعه برخوردار
باشد. این جنبه ها شرا همیت فوق العاده
است. در تاریخ نمونه مجلس فرانتکفورت
در انقلاب ۱۸۴۸ آلمان را سراغ داریم
که اکثر نمایندگان آن از بورژوازی -
لیبرال تشکیل شده بود. لیان تاسیس
هیات مؤسسان "برای تاسیس
جمهوری به وراجی و بحث های میتسذل
و پیونده نشستند. آنها بجای نابود کردن
نظم کهنه و رژیم سلطنت، ارگانهای آنرا
دست نخورده نگه داشتند. در واقع بیان
سازش کردند. این سازش زمینه ای شد
که پادشاه فراری آلمان با تکتا آن -
مجددا "قدرت خود را احیاء کرد.

اما چگونه میتوانیم به جنبه دگر شده
جامه عمل بوشانیه؟
مجلس مؤسسان تازمانیکه
قدرت دولتی کهنه بصیبات خود ادامه
میدهد، از ایقاری رسانتی که بر شمریم
عاجز است. در حقیقت حفظ اتوریته
قدرت دولتی کهنه و ایجاد یک دستگاه
نمایندگی توده ای که قدرت واقعی را
در دست دارد، بیایکدیگرسا زگاری ندارد.
سایو بین این دو قدرت حرف مهمی
است. بورژوازی خواهان همزیستی
بین این دو است. تناقض موجود در آنها
تنها از زاویه منافع بورژوازی قابل
تشمین است. هما نظوره که گفتیم بورژوازی
با دموکراسی کامل مخالفت است چرا که
پرولتاریا با استقا ده از آن خود را -
متشکل کرده و علیه طبقه سرمایه
میخورد.
مجلس مؤسسان قدرت است که همسر

بپایه توده های انقلابی استوار است. در
حالیکه حکومت کهنه قدرتی است استبدادی
منکی به سرکوب توده های انقلابی. از این
روح حفظ اقتدار را کمیت مطلقه و ایجاب
یک مجلس مؤسسان واقعی است
منتزاع میسند. بورژوازی ضد انقلابی حسی
اگر تحت فشار شرایط عینی تن
فراخوانی این مجلس دهد، تمام تلاش خود
را برای نکته متعزز میسند که آنرا به
شیوه ای انقلابی متحقق سازد و بدین
از محتوای واقعی اش تهی سازد.
بر این اساس پیش شرط برقراری یک
مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی
- نکونی حکومت کهنه و جایگزینی آن
توسط دولتی متشکل از کارگران و زحمت
- کشان شهروده است.

در انقلاب ۲ - ۱۹۰۵ روسیه توده های
مردم از طریق جری به ضرورت مجلس
مؤسسان رسیدند. در ابتدا آنها به تحمل
ناپذیری استبداد و ضرورت یک دستگاه
نمایندگی توده ای پی بردند. ولی
آنها نمی دانستند که حکومت کهنه و
دستگاه نمایندگی توده ای که دارای
قدرت واقعی باشد، باید یکدیگرسا زگار
نیستند.

حوادث ژوئیه و فراخوانی دومای
بولیکمین و بدنبال آن اعتصاب اکتبر
که منجر به انحلال این دو ما گشت به توده
- ها معلان نشان داد که برای دستیابی به
آزادی، دلشوش کردن به وعده آن ابلهان
است بلکه باید به "متکی بود.

پس از اینکه تزار در دسامبر ۱۹۰۵ -
به موازادی ما پرداخت، توده ها قیام
مسلحانه در مسکو عملی ساختند. ظهور
اینکه قیام شکست خورد، مبارزه مسلحانه
علیه تزار ادامه یافت. تزار مجبور به
فراخوانی دومای بورژوازی ویت ()
شد. بلشویکها این یکی را نیز تحریم
کردند ولی چون توان کافی برای ماقط
کردن آن نداشتند از این تحریم نتیجه ای
نگرفتند. اقدامات ضد انقلابی دومای -
"ویت باعث شد که از یکطرف توهمسای
مشروطه خواهی توده ها فروریزد و از سوی
دیگرسا هیئت واقعی بورژوازی لیبرال
اقشاء شود. جنبش انقلابی توده های اوج
مجدد گرفت. دومای "ویت تحت فشار
مبارزات توده ها منحل شد. در این جا بود
که کارگران و دهقانان روسی به پیوستگی
یک مجلس فاقد قدرت واقعی پی بردند.
رویدادهای شرایط عینی مبارزه طبقاتی
مشکل قدرت را در دستور کار قرار داد.
شمار بلشویکها مدتی بر مبارزه برای
سرنگونی حکومت استبدادی به منظور
تشکیل مجلس مؤسسان به شیوه انقلابی
بصورت شمارا طی جنبش درآید.

این تجربه پر بار است این حکم لنین
را یادگیری شایسته است: زمانیکه پیش شرط
تشکیل یک مجلس مؤسسان دموکراتیک
و انقلابی سرنگونی حکومت مطلقه میباشد
دولت موقت انقلابی که قدرت را در دست
میکرد از آنجا که ارگانی است برآمده،
از قیام توده ها است، قادر به فراخوانی
مجلس مؤسسان توده ای میباشد. تنها
بر این بستراسان که مجلس مؤسسان به
صورت قدرتی استوار بر توده های انقلابی
نمودار میشود.

از طریق دولت موقت انقلابی که به
عنوان ارگان قیام توده ها شناخته
میشود برای آنکه دارای قدرت و توان
ایجاد یک رژیم جدید باشد، علی لقا عمده
میبایست بر دو عنصر زیر استوار باشد:
۱- شوراهای نمایندگان کارگران و
دهقانان و سربازان ۲- سازمان مسلح
شده های
لنین این دو عنصر را اساس
موفقیت مجلس مؤسسان میدانند. او در این
زمینه میگوید: "از من پیروزی و ایجاد

توده ها در انتخابات مجلس بی اعتبار شرکت نخواهند کرد

بقیه از صفحه ۱

شرا بطی که حزب با شبه کودتا شلیک بر آنها را کاملاً از میدان بدر کرده، در حالی که رژیم بورژوازی خود را بر نیروهای انقلابی سدچندان کرده و هر مخالفی را ولوبسته آنها مدام آشتن یک تشریفه و یا شرکت در یک تظاهرات بخواهد عدا میسرده و ظرف سه هفته گذشته بیش از ۱۰ هزار نفر را اعدام کرده است و هنگامی که مردم در خانه ها، در خیابانها بطرز وحشیانه ایدستگیر میشوند و در کارخانه ها دستگیری دسته جمعی کارگران آگاه و مبارزین پیدا نمیکنند، و هیچگونه روزنامه و نشریه آزادی وجود ندارد، در چنین شرایط خفقان با ریاست که دولت تصمیم گرفته است انتخابات تریاست جمهوری و مجلس را انجام دهد و به خیال خود مجلسی یکدست و گوش پرفران را - حزب جمهوری اسلامی بوجود آورد. اما همان طوریکه انتخابات میان دوره ای در ۱۹ شهریور نشان داد توده های یوسمی از مردم دیگر رغبتی به شرکت در انتخابات مجلس شورای ندارند، ما در بررسی انتخابات میان دوره ای دیدیم چگونه از یک شهریک میلیون و دویست هزار نفری ترییز تنها ۶۴ هزار نفر در انتخابات شرکت کردند چنین وضعی در شهرها و دیگر نظیراً نزلسی

تا بیاعتنی کم و بیش در گذشته وجود داشته و این روزها با محیط ترور و وحشتی که رژیم بوجود آورده زمینه قبول آن بیشتر هم شده است.

در چنین اوضاع و احوالی شیوه ها و تاکتیکهای مردم در جریان انتخابات هر چه باشد از پیش معلوم است که مردم نسبت به شرکت در انتخابات مجلس رغبتی ندارند و رتدها نظوریکه انتخابات میان دوره ای نشان داد مردم عملاً آنرا تحریم کردند. زیرا بسیاری از مردم اعتمادی به مجلس و نهادهای حکومتی ندارند، علت عدم اعتماد توده ها به مجلس معلوم است. مردم هنگامیکه در انتخابات مجلس شورای در یک سال پیش شرکت کردند هنوز امیدها و یزبانی با آن داشتند. خوش بین ترین آنها فکرمی کردند مجلس با گذراندن لوایحی مردمی به بنیازها و آرزوهایشان پاسخ مثبت دهد. زیرا در آن هنگام رژیم تبلیغات میکرد تا هنگامیکه توده ها و قانئونگزاران را فکرمی تشکیل نشوند نمیتوان انتظار شروع - اطلاعات اجتماع را داشت. و بدین ترین توده ها هم فکر میکردند از تریبون مجلس میتوان مسائل مردم را مطرح کرده و از آن به عنوان عاملی برای فشار و فشار گرفتن استفاده کرد. اما حرکات و کامیت و اعمال ضد دموکراتیک و ارتجاعی سردمداران آنها از همان ابتدا، توده ها را کاملاً مبهکامیسه ما هیت آنها و قف ساخت پنحوه انتخابات

نمایندگان اشکالاتی که بر سر انتخابات نمایندگان و قف ساخت پنحوه انتخابات، مسئله دوم مرحله ای کردن انتخابات باطل حوزه های انتخاباتی کردستان و حذف چند نماینده انتخاباتی شده نظیر مسجد سلیمان - ویتویق آنها حتی انتخابات چند شهرستان در آن امکان پیروزی حزب وجود نداشت، و لیس عوامی بودند که سندیت مجلس را پیش روی توده ها زیر علامت سؤال برد. مرحله بعدی عملیات این مجلس بود که بیش از پیش ما هیت ضد خلقی آنرا آشکار ساخت. مردم از خود سؤال میکنند: آنها از این مجلس سفیدی برده اند؟ کدام لایحه ای که در خدمت توده ها باشد تصویب رسیده است؟ اما توده ها بر عکس دیده اند که این مجلس ابزار ریاست که تمام اقدامات ضد مردمی دولت دستگاها را سرکوب آنرا تصدیق کرده و بر آن مهرتایید کویده است. مردم دیده اند که چگونه سازش با امپریالیسم آمریکا بر سرگروگانها و جاسوس توسط شعبده بازی این مجلس صورت گرفت. مردم دیدند که چگونه این عناصری که بنا نهادند نمایندگان ملت برکوسهای مجلس سنایا هتاشا تکیه زده اند مانند عروسکهای خیمه شب بازی آلت دست حزب بوده و آنچه را که این حزب خواسته است نظیر ایدن را در عدم صلاحیت به راست نظیر جمهوری (صرف نظر از اینکه از دیدگاه توده ها صلاحیت داشته باشد) انجام داده اند. مردم دیده اند که چگونه پس با صلاحیت نمایندگان هر طرچویا لایحه ای را که برای سرکوب کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی تنظیم شده در اسرع وقت تصویب کرده اند. پس این مجلس که

توده ها با آن امید بسته بودند نه تنها کوچکترین قدمی برای آنها برنداشته بلکه تمام عملکردش در خلاف منافع آنها بوده است. از این روست که توده ها برای تکمیل نمایندگان این مجلس کمترین علاقه ای ندارند.

بر این اساس است که ما معتقدیم - تحریم انتخابات چنین مجلسی حرکت آزادیخواست توده ها است. این مهم نیست که حتی عده ای از مردم آزادی و بغا طرچویا پیشگیری عوامی قف عدم شرکت در انتخابات حتی بصورت ظاهراً آن شرکت کنند تا مهتری در شانسانها بخورد، نظیر آنچه در دوران آریا مهری به مردم تحمیل شد و نام نویسی اجباری در حزب رستا خیز به هیچوجه به منزله اعتماد مردم به رژیم شاه و حزب رسوا خیزش نبود. آنچه مهم است بر خوردی است که توده ها به آنها در کامیت دارند و پیشرو انقلابی با توجه به بنیاز ذهنی است که با یدتا کتیکها ی خود را انتخاب کنند. وقتی توده ها با بین آنها در باورند و آنها را ابزارهای تحمیل و سرکوبی در خدمت نیروهای ضد مردمی دانسته و آنها را طرد می کنند و میخواهند شیوه های انقلابی مسائلشان را حل کنند در اینصورت پیشرو انقلابی دیگر حتی به عنوان تریبون (که در این شرایط تریبون هم وجود ندارد) نمیتوانند از آن استفاده کنند. از این رو اگر تا کتیک شرکت در انتخابات تریکمال و اندی پیش تا کتیک درستی بود (که بود) او به افشا کامیت - کمک میکرد و ما هیت آنرا نزد توده ها آشکار میساخت. امروز که ما هیت این نهاد برای توده ها آشکار گردیده و از طرف دیگر مردم می بینند که آنها حتی نمیتوانند نماینده ای و آقی خود را آزادانه معرفی کنند چه رسد با اینکه در فعالیت انتخاباتی شرکت کنند در چنین شرایطی شرکت در انتخابات از نظر توده ها تا کتیک عقب مانده و مردود است و بنا بر این تحریم فعال انتخابات مجلس و تشویق مردم به عدم شرکت در آنها اذن مهم وظایف نیروهای انقلابی است.

اما اینکه نحوه تحریم از جانب توده ها چگونه خواهد بود، اینکه صورت عدم شرکت در انتخابات شوند یا رای باشد که مثبت ترین و فعالترین شکل تحریم است، چیزی که در ترییز و آنزلی ... در انتخابات چند هفته پیش انجام گرفت و توده ها تحریم فعال کردند، و یا اینکه عده ای تحت فشار کامیت مجبور به شرکت در انتخابات شوند و لایحه ای تصویب نمایند (که نتیجه آن خوردن مهر سردر شناسنامه باشد) یا هیت تحریم را تغییر نمیدهد. مسئله مهمی اعتماد دیوبوسی اعتقاد توده ها به نهادهای جمهوری اسلامی است که در بررسی حالات و روحیسات و اظهارات توده ها به توده ها میگردد. اما مسئله تحریم در خود، مسئله جایگزینی نهادهای انقلابی را مطرح میکند. هنگامیکه مسئله ای اعتباری نهادهای قانئونگزاران را و جراتی در آنها توده ها مطرح شده است. در چنین حالتی آنچه برای توده ها مطرح است دستیابی به ارگان قانئونگزاران

بقیه در صفحه ۱۷

تحریم انتخابات ادامه انقلاب

پاسخ به سئوالات

مجلس موسسان چیست؟

بقیه از صفحه ۱۴

آن (مجلس مؤسسان) تنها افزایش تعداد و تقویت شوراها را نمی بیندگان کا رگزان سربازان و دهقانان و غیره و سازمان - یابی و تسلیح توده های کارگر میباشند. این تنها مان پیروزی است. (النین) احزاب سیاسی در روسیه و وولگا شرق پرولتاریا) منشویکها و سوسیالیست های انقلابی پس از انقلاب فوریه و سرنگونی کزار با نقطه نظر فوق مخالفت ورزیدند. آنها که انباشته از توهمات مشروطه طلبانه و اعتقاد بر بورژوازی ما با نه میبودند تنها به اعلام جدا گانه و تنهایی شمسار مجلس مؤسسان بسنده میکنند. آنها شورا پیروزی شوراها و تسلیح توده ها را بهمراه مجلس مؤسسان رد میکنند. در حقیقت مسئله اصلی در فراخوانی مجلس مؤسسان جنبه حقوقی امر است. در حالی که بلشویکها از آوازه مبارزه طبقاتی با این امر برخوردار میکنند. آنها معتقدند که تنها با پیروزی شوراهاست که موفقیت مجلس مؤسسان تضمین میشود چرا که فراخوانی مجلس مؤسسان به سیر پیش - رونده مبارزه طبقاتی بستگی دارد. هر همین با به اعلام میکنند که "بدون یک انقلاب دیگر در روسیه بدون سرنگونی قدرت بورژوازی ضد انقلابی (کادتها در وهله اول) بدون طرد اعتساده از احزاب سوسیالیست انقلابی و منشویک از جانب توده ها، مجلس مؤسسان بنا تا سبب نمی شود و با مجلسی است نظیر فرانکفورت ۱۸۴۸" (النین - توهومات مشروطه خواهی - جلد ۲۵ - ۲۵)

خلق انقلابی ایران با این مسئله

از نزدیک آشناست. بنا مداریم چگونه رژیم جمهوری اسلامی مجلس خیرگان را بنا مجلس مؤسسان جا زد و دیدیم که این مجلس خیرگان یک تحفه ارتجاعی بنام قانون اساسی را بخورد توده های مردم و کارگران و زحمتکشان داد. - قضیه بسیار روشن است. از این مجلس که نه به شوراها و انقلابی و نه به خلق آزاد و مسلم و نه به شیوه دموکراتیک انتخابات بلکه به نفی دستاورد های ۲۲ مینم، بود. جز این انتظار نرفت. بقول معروف از گوزنه همان تروا و دکنه در اوست.

حال ببینیم که شرایط انحلال مجلس مؤسسان چیست؟
همانطور که گفتیم این مجلس تابع و محمول سیر عینی مبارزه طبقاتی است. پرولتاریا این مجلس را فرا میخواند تا کذا ربه نظام شورائی را میسر و مسلح گرداند. مجلس مؤسسان علی رغم آنکه عالی ترین شکل دموکراتیک بورژوازی است، نسبت به جمهوری شورائی که شکل عالی تری از دموکراتیک است را منجلی میسازد. یک گام به پیش تعلق میشود. همه این دلیل در جمهوری شورائی، وجود مجلس مؤسسان ثمری ندارد و اقدام به سپردن قدرت به دست آن علی ارتجاعی و ضد انقلابی است.

با این همه بسته به تناسب قوای طبقاتی، پرولتاریا علی رغم اینکه قدرت را در دست داشته باشد، میتواند مجلس مؤسسان را فراخواند. برای روشن شدن مسئله به یک نمونه تاریخی دیگر رجوع کنیم:
پس از انقلاب اکتبر، حزب کمونیست به فراخوانی مجلس مؤسسان تا کیست داشت. خواست زحمتکشان این بود که مجلس موسسانی تا سبب شود از دستاورد قدرت شوراها، فرمان زمین، فرمان صلح، کنترل کارگری... را بر سمیت بشناسد. حزب کمونیست بر مبنای این خواست، مجلس مؤسسان را فراخواند. در اوست مجلس منشویکها و سوسیالیست های

انقلابی راست اکثریت داشتند. از این رو خواست فوق الذکر را مردود شمردند. آنها در شرایطی که همه قدرت در دست شوراها بود شعار "همه قدرت به دست مؤسسان" را طرد کردند و دیدنی میباشد میخواستند انقلاب را یک گام به عقب کشانده و ورشکسته اش نمایند. شرایطی که ملاقاتی جامع انقلابی شوروی را در بر گرفت. از یک طرف مجلس مؤسسانی وجود داشت که ضد انقلاب در آن اکثریت بود. از سوی دیگر شوراها با قدرت بودند که بلشویکها و سوسیالیست های انقلابی چپ در آن اکثریت داشتند. این با ارزیابی که از نیروهای طبقاتی بعمل آورد اعلام نموده ترکیب کنونی مجلس محصول تناسب نیروهای طبقاتی پیش از انقلاب اکثریت و پس از آن تناسب نیروها بطور کامل و قطعی بود پرولتاریا و دهقانان فقیر است. علاوه بر بورژوازی و منشویکها و سوسیالیست های انقلابی - راست، خارج از مجلس در تدارک یک جنگ داخلی اندوسازنده علیه انقلاب سوسیالیستی اکثریت راهبری میکنند. مجلس مؤسسان صرفاً پوششی است برای اقدامات ضد انقلابی آنها. همچنین به این اعتبار که علی الاصول نابود کردن مقاومت بورژوازی و ساختمان سوسیالیسم توسط نهاد های طبقاتی (شوراها) و نه مؤسسات عمومی (مجلس مؤسسان) عملی میشود. انجمن مجلس مؤسسان را در تقابل با دگرگونی سوسیالیستی جامع شوروی تلقی نمسود. لذا انحلال اثر به کمیته مرکزی حسرب کمونیست پیشنهاد نمود و این یک نینز فرمان به انحلال آن داد.

کارگران با اتحاد و همبستگی خود رژیم را به عقب نشینی وادار کنید

توده ها در انتخابات

بقیه از صفحه ۱۵

نویسنی است که ارگان واقعی جامعه کمونیست توده ها باشد. ارگانی که نقش تا سبب کننده و ایجاد کننده داشته و متکی بر قدرت شورا های مسلح کارگران، دهقانان، زحمتکشان، سربازان و درجه داران و افسران جزء و نیروهای وسیع خلق باشد. چنین ارگانی تنها میتواند اندیک مجلس موسسان دموکراتیک و انقلابی باشد. مجلسی که با آنچه تاکنون - چه در زمان شاه و چه در طول عمر جمهوری اسلامی - وجود داشته تفاوت اساسی دارد. مجلس موسسانی که با مجلس خیرگان کسه تنها از ۷ نفر خیره تشکیل شده بود و نمایندگان کارگران، دهقانان، زحمتکشان و سایر اقشار خلق در آنجا نشاندند، تفاوت اساسی دارد. مجلس موسسانی که با مجلس شورای اسلامی، هم از نظر شکل و هم از جهت محتوا تفاوت اساسی خواهد داشت چنین مجلسی که تنها با نیرو و نگاه به قدرت توده های انقلابی تشکیل خواهد شد قادر خواهد بود خواستهای توده ها را تحقق بخشد: استقلال واقعی از اقتتاد سیاست

و فرهنگ امپریالیسم جهانی را با به ریزی کرده. کار و زندگی مناسب را برای تمام شهر وندان بخصوص زحمتکشان تا مین کرده و بر نامه های انقلابی و اساسی را برای ایجاد میکن و سرینا هی مناسب برای میلیونها خانوار ایرانی به پیش برده و بالاخره - آزادی های اساسی مردم ایران، آزادی تشکیل احزاب و گروهها و انجمنها و شوراهای تضمین کرده، آزادی مطبوعات و - انتشارات را برای نیروهای خلق برقرار کرده و آزادی بهره مندی از حقوق مساوی - برای زنان، تا مین و تضمین حقوق خلقهای تحت ستم ایران و اقلیتهای مذهبی را برقرار کند. تنها و تنها مجلس موسسانی که بر قدرت شوراها و انقلابی توده ها متکی است میتواند این چنین خواستهای را تا مین کند. نه مجلس خیرگان، و نه مجلس شورا ای اسلامی و نه ریاست جمهوری، نه دولت، از این جهت است که مردم ایران بی اعتمادی خود را به نهاد های ارائه شده از جانب حاکمیت یا تحریم و عدم شرکت فعال در انتخابات مجلس شورا و ریاست جمهوری نشان داده و اعتقاد خود را به ادامه انقلاب با پشتیبانی از مجلس موسسان دموکراتیک و انقلابی بظهور خواهد رساند.

کارگران! زحمتکشان ایران! در روزهای اخیر صدها تن از کارگران مبارزان انقلابی کارخانه های جنرال - موتورز، جنرال تایرز، زامیاد، پارچین و ده ها کارخانه دیگر توسط پاداران - مزدور سرمایه بازداشت و زندان افتاده - اند. رژیم جمهوری اسلامی موج وسیع اخراج و بازداشت کارگران را به بهانه های مختلف آغاز نموده است. اخراج و بازداشت کارگران در همان حال کسه ما هیت ضد کارگری و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را نشان میدهد. ترس و وحشت رژیم را از مبارزات توده ها و طبقه کارگر ایران این استوارترین و بیگسرتین طبقه انقلابی تاریخ نشان میدهد. کارگران! زحمتکشان ایران! اخراج و بازداشت دستجمعی کارگران مقدمه ای است برای سرکوب سرمایه جانش خلق و برقراری یک دیکتاتورسی عیان گسیخته و آشکار. در برابر موج اخراج - ها و بازداشت کارگران به مبارزه - برخیزید و از مبارزان کارگر خود دفاع کنید. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۲۰ تیرماه ۱۳۶۰

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود

انگلستان

«مردم» یا کله طاسها و ولگردان

تلاش های مذبحخانه طرحهای ضد کارگری دولت امپریالیستی و نژادپریت انگلیس برای با ملاحظه محسوران اقتصاد و مقابله با اعتراضات کارگری و سرکوب جنبش توده های هر روز انگلستان و عریان تر و وحشیانه تری بخود میگردند. دولت تا چرکه در استیلا سنی داشت با وضع قوانین نژادپرستانه و اخراج کارگران مهاجر و ایجاد تفرقه بین کارگران بومی و غیر بومی بریدیدند و روز افزون بیگاری غالب آید. امروز سا رشد و گسترش جنبش توده های رناتوانی ارگانهای رسمی سرکوب در برابر حرکات اعتراضی توده ها، خصوصا "زحمتکشان مهاجرزنگین پوست آسیائی که اکثر آنها پاکستانی و هندی می باشند، در عین تقویت نیروهای سرکوبگر پلیس به سیج باندهای سیاه و گروههای نشوفا شیت نژادپرست نیز توسل جسته است.

در پی درگیری های هفته اخیر در منطقه سیاه پوست نشین لیورپول و سایر رشد و تعمیق جنبش توده های و پس از آنکه کنترل این بخش از دست پلیس خارج شد و ۸۵ پلیس در سرخوردن با جوانان سیاه پوست زخمی شدند و چندین گناه پلیس به شدت آسیب دید، پلیس لیورپول ناچار شد از شهرهای اطراف و از جمله منچستر کمک بخواد و در صبح ۱۳ اعلام کرد که "ما برای مقابله با جمعیت خشمگین درخواست وسایل اضافی نظا مسی کرده ایم". پلیس اینبار از یک گاز فلج کننده به غیر از گاز اشک آور برای سرکوب تظاهرات کنندگان در ننگین پوست استفاده کرده. اما از آنجا که دیگر این ارگانهای رسمی سرکوب جهت مقابله با حرکت توده ها و اوج گیری جنبش کافی نبود، باندهای سیاه، دستجات نژادپرست شبه نظامی چون کله طاسها و گروههای نشوفا شیت مانند "جبهه ملی (NATIONAL FRONT)" سیج شدند تا با ایفا کردن "نقش مردم" و به اسم دفاع از منافع "جوانان سفیدپوست" به مناطق آسیائی نشین لندن و بخش "توکستیت" لیورپول که اکثر کارگران مهاجر در آن ساکن هستند، یورش برند (۲/۱۴/۶۳) تا بدین ترتیب حرکتیای توده ای را توسط آن "مردم" سرکوب کنند باندهائی که عمدتا "مشکل از افراد و پایش ولگردان بودند، افرادی که مسلما "تادیروز در متروهای لندن با پنجه بکس و اسلحه مزدور کم به اقدامات جنایتکارانه ای دست می زدند امروز نیز به عنوان ابزار سرکوب در دست بورژوازی چون همتای ایرانی شان، "حزب اللهی های"

وطني به اسم توده ها و در جهت سیاست های امپریالیستی عمل میکنند. بی مورد نیست که به ادعاهای پلیس فاشیت انگلیس نیز در این رابطه اشاره کنیم که اظهار داشته "سعی کرده است دو طرف را از یکدیگر دور نگه دارد" در حالیکه سخنگوی انجمن جوانان منطقه کارگرنشین لندن می گوید: "نژادپرستان در پشت صف های پلیس (بخوانید) ساداران سرمایه (سنگر گرفته بودند و پلیس دقیقا "از آنها حمایت می کرد".

دولت انگلیس نیز مینماید به رژیم مدافع منافع سرمایه داران و بهره کتی و حشیانه زحمتکشان پس از درگیری میان دستجات فالانژ و باندهای سیاه و پلیس از یک سو و توده های زحمتکش از دیگر سو، بیانشه ای ما در گروه و اعلام میدارد: "بدنبال دخالت پلیس لندن برای پایان دادن به زد و خورد های میان جوانان سفیدپوست و آسیائی های بقم این شهر، اغتشاشات گسترده ای غرب لندن را در بر گرفت... (ابتدا جوانان میادرت به پرتاب بمب های آتش زان و شکستن مغازه ها و آتش زدن یک ساختمان کردند که در این درگیری ۴۰ پلیس و ۲۰ غیر نظامی زخمی شدند و ۱۱ دستگیر شدند".

(مقاوم کنید با بیانه های دولتی ایران در مورد مشابه) دولت امپریالیستی انگلیس فکرمی کند که با بسیج آواشان و باندهای سیاه و نیز تقویت ارگانهای رسمی سرکوب میتواند جلورشد مبارزات توده ها را سد کند و بر بحران اقتصاد را فائق آید. اما زهی تصورواهی. اکنون این کل سیستم سرمایه دار امپریالیستی است که بخاطر گزندگی آن دیگر دوران زوال محتمم خود را طی می کند و مبارزات توده های زحمتکش نیز به پروسه این زوال سرعت می بخشند. و مهمترین آنکه راه "حل های کنونی نیز بر باد منته بحران افزوده است. مثلا هفته گذشته دولت انگلیس تصمیم گرفت از بودجه آموزش و پرورش بکاهد، تصمیمی که خود موجب بروز مشکلات دیگر در کشور خواهد شد که از آن جمله است لغوبیش از ۱۲ هزار پست دانشگاهی و بیگاری هزاران دانشجو و استاد دو قطعا افزایش اعتراضات مردمی برای نمونه اکنون اعتصابات کارکنان دولت که از ۱۸ هفته پیش آغاز شده بود همچنان ادامه دارد.

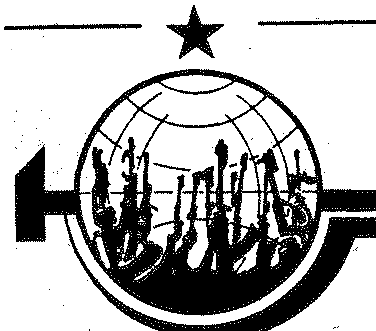
بهره کشی هر چه بیشتر از کارگران و زحمتکشان، به سرکوب شدید مبارزات کارگری و دستگیری و اخراج کارگران مبارز و پیشرو که در جهت منافع و حقوق واقعی کارگران مبارزه می کنند، توسل جسته است. هفته گذشته در پی اعتصابی که در معدنی در جنوب شرقی آفریقای جنوبی بخاطر بهره رسیمت شناخته شدن سندیگای کارگری از سوی مدیریت شرکت مسورت گرفت ۱۲۰ کارگر سیاه پوست را دستگیر و ۸۰۰ نفر از کارگران معدن را اخراج نمود.

آفریقای جنوبی

در پی تظاهرات گسترده چند هفته اخیر در آفریقای جنوبی که منجر به دستگیری تعداد زیادی از دانشجویان و حتی دانش آموزان کم سن و سال دوره ابتدائی گردید، رژیم نژادپرست حاکم برای این کشور، بر دامن سرکوب فاشیستی خود افزوده است. این رژیم در رویارویی با اوچگیری حرکات اعتراضی کارگری و بخاطر حفظ منافع سرمایه داران و

جنبش جهانی

تازگی - رهائی بخش



ایرلند

چونک دانل یکی دیگر از مبارزین ایرلندی بخاطر اعتصاب غذای سیاسی طولانی مدت در زندان امپریالیستهای انگلیسی جان سپردا و با مرگ خویش پایداری خلق قهرمان ایرلند را در مبارزه، عادلانه اش در راه استقلال و آزادی با رد بگرتا بت کرد.

یادش گرامی باد

تداوم مبارزه

علی رغم بوق و کرنا های مطبوعات امپریالیستی انگلیس مبنی بر انجام ابتکارات نوین "برای حل مسئله ایرلند و پایان بخشیدن به جنگ مذهبی بین پروتستان ها و کاتولیک ها " و علی رغم تلاش های مذبحخانه دولت انگلیس مبنی بر کاهش تعداد سربازان انگلیسی در خیابانهای بلفاست و "الستریزا بیون" سپردن با مسئولیت منافع امپریالیسم بریتانیا به عهده نیروهای امنیتی سلطنتی و استروپلیس ش.بخش ایرلند شمالی، خلق قهرمان ایرلند و ارتش جمهوری خواه ایرلند، همچنان به مبارزه اش علیه امپریالیسم بریتانیا و دولت دست نشاندگان تحت نام عوام فریبانه "دولت آزاد" و حکومت ایرلند شمالی که صرفا "به منظور تصحیف کل مبارزه ملی خلق ایرلند شکل گرفت، ادامه میدهد و هر روز پیش از پیش حاکمان امپریالیست را وادار به عقب نشینی می کند، بطوریکه در هفته گذشته در دو پلیس رسما "اعلام شد که دولت ایرلند جنوبی مجسازات اعدام یک ایرلندی بنام پیتر راجرز را به چهل سال زندان تخفیف داده است پیتر راجرز یکی از اهالی بلفاست است که در سال جاری مسیحی به مرگ محکوم بقیه در صفحه ۴

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش

سراسر جهان



پیام پیشمرگان سازمان از کردستان خونین بمناسبت شهادت رفیق سعید سلطانپور



سعید گلوله سرخ خلق.....

ما مرگت را با ما ورنخواهیم کسرد
چون مرگ شرف و انصافیت با ما ورنمانست
ما مرگت را با ما ورنخواهیم کردچون
مرگ آزادی با ما ورنمانست. شوربایمان
همیشه زنده ای و خونیت در رگهای ما
جاری... اگر با ما بی سرزندگی مبارزه
خلقها متصور باشد اگر با ما بی برکتی
و این زوفداکاری متصور باشد آنوقت
بذیرفتنی خواهد بود مرگ تو!
ما از کردستان مجروح و خونین از
کردستان قهرمان دروهای آتشین
خویش را نشان تو میکنیم شمر تو ما ج نسو،
شمر جهان تو امروز در سرا سر کردستان
طنین انداز است. همه از شوهر میزنند
از کودکان روستا می گرفته تا پیر مردان
و پسران خانه نشین. زن روستا کسی
چنان با تا شرافت در دهن حرف میزند
تو گوئی سالتا در کنار هم زندگی کرده ای
از هر گوشه کردستان روزی چندین شعر
و نوشته به یاد تو سروده میشود و در خیابانها
و کوچه ها و روستاها نام تو را بر زبان
میرانند. دروغیمان رژیم خواستند با
اعدام تو روحمی باس و شکست را بیه
جنبش اوج گیرنده توده ها حاکم سازند.
زهی خیال باطل که شهادتت سر آغاز
نوبینی برای توده ها است. خون تو
خفتها را بیدار خواهد کرد به سازنگاریها
و خیانتکارها قلم بطلان خواهد کشید و

مفوف روزمندگان انقلابی را مستحکمتر
خواهد نمود. اوج نوبینی در انقلاب
پیشرونده توده ها موجود خواهد بود و خلق
قهرمان کرد و پیشمرگان نش خشم و تا شرف
ناشی از شهادت تو را به نیروی بر قدرتی
برای تحکیم مفوف خویش و گسترش
مبارزه برای نابودی امپریالیسم و
جلادان خلق مبدل خواهند کرد.
پیشمرگان هم رزمت در کردستان فدا
وار در راه آرمانهای و الاوانسانی نسو
خواهند جنگید و با همتاها خواهند داد
نه شهادت تو و نه شهادت هزاران فدا
قادر نبوده و نخواهد بود در عزم را سخ
برای آزادی و استقلال و محو استعمار و
طبقه ای و برپایی سوسیالیسم علمی
و آرد ما در پیشگاه خلق قهرمان
کرد و ما بر خلقهای و وطنمان به پیمان
می بندیم تا آخرین قطره خون در راه
آرمان کارگران و زعمتکشان به مبارزه
خویش ادامه خواهیم داد.
پیشمرگان انتقام خون
شهادت خلق را خواهند گرفت.
درود بر تمام شهدای بخون خفته خلق
مرگ بر دروغیمان و جلادان خلق
بپرویز با دمبارزات او چگیرنده توده های
و وطنمان
تا بگذرد با ما مهربانان همجهت با ما
امپریالیسم آمریکا و با یگانها و غلبش
۱۳۶۰/۴/۵ پیشمرگان سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران

۳۰ هزار تومان و یک پاسدار زنده در مقابل جسد بیجان یک شهید خلق!

در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۵ هشت نفر از
افرادیکه که به آنها مهیای مختلف حدود
شش ماه پیش در مهیا با دستگیر شده بودند
و در زندان رژیم بسر می بردند. در
ارومیه به جوخه اعدام سپرده شدند
رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی وقت است
و دروغوئی و بیبختی را از جسد دارند
است زیرا بعد از اعدام این افراد که
شش ماه پیش در زندان بودند را دیوهای
رژیم اعلام می کنند. نفر پیشمرگه
بجرم شرکت در وقایع اخیر اعدام
گردیده اند اگر مردم از دستگیری رفیق
فدائی سعید سلطانپور توسط نیروهای
انقلابی و وسایل خبری جهان آگاه
نگشته بودند رژیم حتما آنها رفیق
شهید را شرکت در وقایع اخیر اعلام
میکرد به صورت موهومی که خواننده های
هشت نفر شهید را رومیه برای تحویل
گرفتن اجساد شهدا مراجع می کنند
دروغیمان از تحویل اجساد شهدا
خودداری کرده و اظهار می دارند که
با بت هر جنازه ۳۰ هزار تومان و با یک
پاسدار زنده یا یک شهید بدهند. که
خواننده شهدا با شا هدها این وضع میگوید
مانه سی هزار تومان داریم و نسو
ما ضربه یک پاسدار جنایتکار را با یک
جسد عوض کنیم. بدون اینکه اجساد
شهدا را تحویل بگیرند برای آنسان
مجلس با دهمی گیرنده که با استقبال
شدید مردم مواجه میشود.

نا صر مقدم یکی از فرماندهان سپاه
پاسداران بعد از کشته شدن خالدبراقی
گفته بود که خالد را با بیست نفر از مردم
بغاک خواهد سپرد یعنی به انتقام خون
جانش کثیف بیست نفر از مردم را قربانی
خواهد کرد لذا در این روز صحنه ساعتگی
تشییع جنازه را خدارک می بینند و
همزمان بروی مردم و مناطق دیگر
بشهرتیراندازی میکنند که در این
شوطه جنازه یک را نه ۸ نفر از کارمندان
مهیا با شهیدوسی نفر زخمی می کردند
و عده زیادی دستگیری شونده. بلند
گوهای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی
بلافاصله بعد از این جریان به مسند
درمی آیند و اعلام می کنند که پیشمرگان
بسوی مردم بی دفاع مهیا با آتش
گشوده اند و فرماندهان را زخمی کرده و
چندین پاسدار را کشته اند. حالیکه
جنازه خالدبراقی یک روز قبیل در
تپه ای نزدیک پادگان دفن شده بود
و مشخصی شد که کسب این
برنا مهربانی ها برای کشتار مردم
و انقلابیون و نسبت دادن آن به خود
انقلابیون برای توده های و وطنمان
مسئله تازهای نیست رژیم شاه نیز در
آخرین روزهای حکومتش تنگنیش به این
قبیل حرکات برای نجات خودش دست
بازیدماندها داشته سینما رگس آبادان
کشتار ۱۴ شهیدپور آتش زدن مسجد
کرمان. مردم مهیا با دگه خودناظر
صحنه بوده اند تنگنیش به ما هیست
این جنایت واقف هستند. و بدنبال
این قتل و عام مردم قهرمان مهیا با
به نشان اعتراض سه روز تعطیل و عزای
عمومی اعلام کردند.

فاجعه سینما رگس آبادان در مهیا با تکرار شد

۱۳۶۰/۴/۲ - سه شنبه در این روز
ما شین گشتی پاسداران و جاشا به کمیز
پیشمرگان جنبش مقاومت می افتد و با
تا رنگ انداز و کلشینکوف مورد حمله
قرار می گیرند بر اثر این درگیری جاش
مصرف مهیا با داخل بر اقی ۴ نفر دیگر
کشته می شوند و چند جاش دیگر زخمی
می گردند پاسداران مانده همیشه بسوی
مردم بی دفاع تیراندازی کرده و باعث
شهادت و زخمی شدن چند نفری می گردند.
لازم به تذکر است که ما شین پاسداران به
وسيله مردم آتش زده میشود و جنازه
خالدبراقی را مردم با سنگ و آجر
می کنند.
بدنبال این واقعه جنایتکاران
و جلادان رژیم جمهوری اسلامی نقشه
خائنه ای را برای انتقام کشی و کشتار
مردم برنا مهربانی می کشند و در تاریخ
۱۳۶۰/۴/۳ عسپاه پاسداران مهیا با
با ملاح خاک سیاری جسد جاش مسروق
مهیا با دی خالدبراقی که تا کنون دهها
نفر از جوانان انقلابی مهیا با را
شنا ساش کرده و به جلو جوخه های تیر
فرستاده و با هنوز در زندانها بسر
مبهرند (مواصی تدارک می بینند و تمام
کارمندان ادارات را شهید می کنند که
هر روزت عدم شرکت در مراسم با ملاح

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

خبرهای از جنبش مقاومت خلق کرد

انتشار اخبار اعدا مها در کردستان
 قهرمان نفرت و ازجا مردم را برانگیخته
 است اخبار مبارزات مردم ایران و
 اعدا مها توسط سازمان در کردستان بخش
 میشود و مورد توجه عمیق مردم است. پس
 از انتشار اخبار اعدا مرفیق شهید سیدسلطانپور
 شاعر انقلابی، نویسنده، هنرمند و فدائی
 خلق مردم کردستان که با اعدا مها و یوز
 اشعاریکه مربوط به کردستان میباشد
 آشنایی با شنید متاثر شدند در این رابطه
 رادیو حزب دمکرات کردستان ایران، در
 برنامه رادیوئی خود ضمن تشریح سوابق
 مبارزاتی سیدسلطانپور خاطرهای و
 گرمایی داشته و اعلام میدارد که پیشمرگان کرد
 انتقام خون این شهید را خواهند گرفت.
 در این رابطه تاکنون دفتر
 شیخ عزالدین حسینی - جمعیت
 مستقل مصلحان مبارز کردستان ایران
 هواداران جناح چپ - اکثریت در
 کردستان اعدا مها این انقلابی نامدار
 و سایر انقلابیون را محکوم نموده اند.
 همچنین از کردستان دربارهم قریب
 شهید سید اشعار زبیدی منجمت
 "ریسوار" شاعر معروف کرد در باره قیامت
 کرده ایم که بعلمت کمبود از چاپ آن
 معذوریم. همچنین لازم است توضیح
 دهیم که در رابطه با دستگیری رفیق
 سیدسلطانپور اعلامیه های بسیاری از
 داخل و خارج دریافت کرده بودیم که
 بعلمت مواجه شدن با اعدا مها این رفیق
 انقلابی دیگر چاب نام این نیروها
 موردی نداشت.

فشار و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی
 بر تمام خلقهای ایران روز بروز گسترش
 می یابد. خلق کرد که از ابتدا زیر فشار
 نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار
 داشت اکنون با اتکاء به قدرت خود و
 نیروهای مسلح مردمی به مقاومت
 قهرمانانه اش ادامه میدهد.

پیشمرگان فدائی مقرر با ساداران و
 جانشینان از برآتش خود گرفتند

شب شنبه ۶۰/۲/۱۲ پیشمرگان سازمان
 چریکهای فدائی خلق ایران بمدت چهار
 ساعت قسمتهایی از شهر سنقر و مناطقات
 مقرر با ساداران و جانشینان به معاصره خود
 در آوردند. مزدوران رژیم در این فاصله
 هیچگونه حرکتی نتوانستند انجام دهند.
 پیشمرگان فدائی از ساعت ۱۱ تا ۱۲ شب
 مقرر مزدوران رژیم را برضربه شدید آتش
 سلاحهای خود گرفتند. ضربه آنچنان بمرق
 آسا بود که این مزدوران تا ۱۰ دقیقه
 هیچگونه عکس العملی از خود بروز ندادند
 و سپس که خود را نتوان در پاسخ دادن به
 پیشمرگان یافتند محلات شهر را زیر آتش
 گرفتند. طبق اخبار غیرموقت در این
 عملیات از مزدوران ۴ نفر کشته و چندین
 نفر زخمی شده اند. پیشمرگان قهرمان
 همگی با نظام انقلابی و سالم به پایگاه
 خود بازمیگشتند.

طی روزهای گذشته درگیریهای شدیدی
 بین پیشمرگان حزب دمکرات و نیروهای
 سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی در جاده -

کتاب - شاهین دزجریان داشته که تا
 کنون یک قفسه کالبر ۵۵ - یک قفسه
 ۳ - یک دستگاه بیسیم - دو صندوق گلوله
 کالبر ۵۵ - صندوق گلوله ۳ - دو -
 صندوق نارنجک سر ۳ و دو صندوق نارنجک
 دستی از دشمن مصادره کرده اند.
 - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان
 (کومله) در اراک اعدا مها چند نفر از وابستگان
 به این سازمان ۳ نفر از مزدوران رژیم
 جمهوری اسلامی را اعدا مها متقابل شصده
 است. این سه نفر عبارتند از: ۱- اژدر -
 زارعی (پاسدار) ۲- مهدی دقاغیان (-
 پاسدار) ۳ - سالزهادی (مزدور رژیم)
 کومله طی اطلاعیه ای در تاریخ ۶۰/۲/۱۲
 این خبر را بخت نمود.

- در منطقه ترگور و مرگور طی یک درگیری
 بین پیشمرگان حزب دمکرات و مزدوران
 رژیم عده زیادی از مزدوران رژیم کشته و
 زخمی شدند. همچنین در این درگیریها ۴
 نفر از پیشمرگان حزب دستگیر میشوند که
 بلافاصله اعدا مها میشوند (با این شهید
 گرمایی باد).

- حزب دمکرات کردستان ایران در -
 مقابل اعدا مها ایران جنگی و اعدا مها
 سراسر ایران به حکم دادگاه انقلاب خلق
 کرده نفر از مزدوران رژیم را اعدا مها
 است. در قسمتی از اعلامیه مربوط به این
 دادگاه آمده است:

دادگاه انقلابی خلق کردگرچه بارها
 اعلام نموده است که مخالف شدید و اصولی
 هر نوع آدمکشی است ولی همچنانکه
 قبلاً نیز به آگاهی عموم رسانده است در
 مقابل اعدا مها اسیران جنگی و کشتار
 مردم بی دفاع شهبور و روستاهای کردستان
 نمی توان ندی تفاوت بماند. از این جهت
 تا چاراست برخلاف میل خویش و تنها به
 منظور جلوگیری از دامنه پیداکردن این
 اعمال بیشرمانه و غیرانسانی دستور
 اجرای حکم در مورد گروهی از جنایتکاران
 محکوم به اعدا مها که همگی در حین جنایت
 دستگیر شده اند صادر نموده است. کما اینک

دیزوز هشتم تیرماه به اجرای این عمل
 درمورد ۵ نفر از محکومین پرداخته و
 جسدهای ادا شدگان را تحویل پادگان
 مها با داده است. این ۵ نفر عبارتند از:

- ۱- رمضان عبداللهی اهل سراب
- ۲- محمد باقری اهل ورامین
- ۳- محمد باقری اصفهان
- ۴- محمد باقری ارومیه
- ۵- محمد باقری اهواز

در قسمتی دیگر از اعلامیه مربوط به این
 اعدا مها انقلابی آمده است که:
 اکنون دیگر حکومت ارتجاع اعدا مها
 انقلابیون چون "سیدسلطانپور -
 مبارزی که حتی حکومت شاه هم جرات قتل
 وی را نداشت و همه ندارد. اکنون دیگر
 به جوش آمده است. اسرا که نه در اسلام -
 بلکه در هر قانون انسانی دیگری از
 ردیالنه ترین اعمال ضد بشری بشمار -
 می رود بطور بی سابقه ای در سایه عدل
 اسلام.... ویژه چماق بدستان گسترش
 یافته است.

اینست پاسخ خلقی که مسلحانه از
 حقوق خود دفاع می کنند.

۷ شهید از یک خانواده در رژیم جمهوری اسلامی

بی دادگاههای رژیم جمهوری اسلامی
 در تبریز ۱۰ نفر را اعدا مها کردند در بین
 اعدا مها شدگان شهدا ما جدوا مجد مصطفی
 سلطانی از برادران شهید کاک فواد وجود
 دارند. خانواده مصطفی سلطانی تاکنون
 ۷ شهید در راه آزادی خلق کردستان را بین
 خلق رزمنده نموده است. سازمان چریکهای
 فدائی خلق ایران شهادت این رزمندگان
 دلیر را به خانواده قهرمان این شهید
 تسلیم می گوید، و ایما داریم که خلق
 قهرمان ایران هیچگاه این جنایات
 را بی جواب نخواهد گذاشت.

جنایت پاسداران سرهایه در مشهد

پنجشنبه ۱۱ تیر پاسداران به خانه ای
 شبانه یورش می بردند و یکی از اعضای
 خانواده را که محصل و هوادار مجاهدین
 بوده است دستگیر می کنند. که فرد مذکور
 از دست پاسداران در حین دستگیری فرار
 میکند. پاسداران او را به گلوله می بندند
 و سه گلوله به کتف او شلیک می کنند پس
 او را به بیمارستان می برند. به محض این
 که مجروح زحالت بی هوئی در میآیند
 پاسداران او را - تحمیر نم مخالفست
 پزشکی مبنی بر بستری شدن مجروح -
 به زور می بردند و شبانه اعدا مها میکنند. جسد
 این اعدا مها را حتی رادیو روزنامه های
 حکومتی نیز درج نکردند.

خبرهای کوتاه از شهرستانها آمل

شهید غلامعلی جعفری از مبارزینی بود که
 در کشتارهای وحشیانه می و یکم خرداد در
 مقابل جوخه اعدا مها قرا گرفت او کسه
 هوادار سازمان مجاهدین خلق بود روز
 شنبه در جریان تظاهراتی که در آمل
 دستگیر و بلافاصله اعدا مها می شود.

در مراسم شب هفت این شهید
 هنگامی که جمعیت انبوهی جمع شده و
 خواهر شهید در باره خصایات او و نحوه
 وحشیانه اعدا مها، در باره آثار شکنجه
 روی بدش سخن می گفت پاسداران به
 مراسم حمله کرده و مردم را متفرق کرده
 یکی از زندیکان این مجاهد شهید
 می گفت روز سوم حزب اللهی ها که
 همیشه در مدد از اروا ذیت خانواده های
 شهدا هستند خانه این مجاهد را سنگ
 باران کرده اند. افراد خانواده نیز به
 سنگباران آنها پاسخ داده اند. بعد از
 مدتی حزب اللهی ها به خانه نزدیک
 میشوند که به افراد آن حمله کنند که زنها
 و بچه ها با فریادهای خود همسایگان را
 به کمک می طلبند و آنها می گزیرند.

بقیه در صفحه ۲

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر